



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۸  
شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵۵ ریال

فقیه عالیقدر آیت الله منتظری:  
**اگر دانشگاهها تعطیلش  
طول بکشد و معلم و  
دانش در دانشگاهها  
نباشد، فاجعه است برای  
کشور ما**

آیت الله العظمی منتظری: «از آن هیئت که از طرف امام تعیین شده اند، برای طرح انقلاب فرهنگی دانشگاهها، از آن هیئت میخواهم که پیش از این اهیت بدهند به این موضوع. اگر دانشگاهها تعطیلش طول بکشد و معلم و دانش در دانشگاهها نباشد، فاجعه است برای کشور ما. خوب است آن هیئت ۷ نفری که از طرف امام مسؤل تعویض طرح انقلاب فرهنگی شدند، این کار را در راس کارهایشان قرار بدهند... و انقلابی این طرح را تهیه کنند که انشاءالله دانشگاههای ما شروع شود، دانشجویان تریز در دانشگاهها علوم مختلفی که مورد احتیاج مسلمانان است، چه علوم اسلامی، چه علمی که برای دنیای ما احتیاج داریم (فراگیرند). حدود ۴۰ هزار پزشک کمبود داریم، مهندس آب، راه، ساختمان، سایر قسمتهای دیگر کاملاً در کشور احتیاج داریم. اگر از نظر علمی ما غنی نشدیم و وابسته باشیم، استقلال سیاسی برای ما پیدا نخواهد شد. وقتی ما استقلال سیاسی به تمام معنا داریم، که هم استقلال فرهنگی داشته باشیم، هم استقلال اقتصادی. بنابراین سعی کنند دانشگاهها زودتر شروع بکار کنند و دانشجویان عزیز مشغول تحصیل علم و کمال بشوند و از دانشجویان میخواهم که همتشان فقط لیسانس گرفتن نباشد، جدا درس بخوانند.»

(از سخنان فقیه عالیقدر آیت الله العظمی منتظری، در خطبه اول نماز جمعه ۱۴ شهریور ۵۹ در قم)  
ما تاکنون نظر اصولی خود را درباره ضرورت انقلاب فرهنگی در همه رشتههای مربوطه، بویژه در بخش آموزش و پرورش، بیان داشته ایم و زبان تاخیر در آغاز به این مهم اجتماعی را متذکر شده ایم. انقلاب فرهنگی، که بخشی بس مهم از انقلاب اجتماعی به مفهوم کلی آنست، دارای ویژگیها و قانونندیهای خاص خود است، که از ماهیت فرهنگ ناشی میشوند. اگر انقلاب در بخش سیاسی (انتقال حاکمیت دولتی) در عرض مدت نسبتاً کوتاه (مثلاً با قیام مسلحانه در یک شب) صورت پذیرد، در بخش فرهنگ معنوی (که همه رشتههای علوم دقیقه و علوم اجتماعی، فنون و مهندسی، هنرهای زیبا، آموزش و پرورش و غیره را فرامیگیرد) احتیاج به طرح برنامه-های تفصیلی دراز مدت دارد.

هدف اصلی انقلاب فرهنگی باکسازی همه رشته-های فرهنگ از کلیه فساد و بلییدیهای فرهنگ استعماری و رژیم طاغوت، مردمی کردن فرهنگ از بیث مضنون و امکان دستیابی به آن است. البته در شروع باین مهم اجتماعی نباید تاخیر کرد.

در عین حال انقلاب فرهنگی نباید سبب تعطیل فرهنگ، از جمله دانشگاهها شود، زیرا زبان تعلیم اگر تحصیلات عالی و پژوهشهای علمی برای جمهوری اسلامی ایران بسیار است. مهمترین زبان آن تاخیر در تربیت و تدارک کادر متخصص لازم برای رشته-های مختلف حیاتی کشور نظیر صنایع، ساختمان،

بقیه در صفحه ۸

# شور انقلابی را فقط با تعمیق انقلاب میتوان حفظ کرد

یک مسئله حیاتی: آیا شور انقلابی تحکیم می شود یا بی تفاوتی گسترش می یابد؟

مسئله شور انقلابی یا بی تفاوتی نسبت به انقلاب، در بین میلیونها ایرانی، براساسی یکی از حساس-ترین و تعیین کننده ترین مسائل انقلاب محاسبت. حجت الاسلام خامنه ای بحق این مسئله را در خطبه نماز روز جمعه مطرح کرد و ما، که بارها و بارها پیرامون این موضوع و علل و پرورشی بی تفاوتی و گسترش آن و راههای تقویت شور انقلابی صحبت کرده ایم، کاملاً بیجا می شماریم که بر این سخنان امام جمعه تهران تکیه کنیم و اهمیت آنرا خاطر نشان سازیم. سرنوشت انقلاب ایران، در آخرین تحلیل، بدست توده های میلیونی، همانها که انقلاب را به انجام رساندند و پوزم سبک ترین قدرت جهانی جهان را به خاک مالیدند، تعیین خواهد شد. اساس مسئله اینجاست که اگر این توده های میلیونی بسا انقلاب، پشتیبان انقلاب ریش برنده انقلاب باشند، هرگز هیچ دشمنی، هر قدر هم نیرومند و مکار باشد، نخواهد توانست انقلاب ما را دچار شکست سازد. و اگر این توده های میلیونی نسبت به آنچه که خرد ساخته اند، بی رغبتی که باشد، دلسرد و مایوس و سرخورده شوند و ناامیدی بر آنها غلبه کند و نسبت به آنچه بر انقلاب ما و دستاوردهای آن و اهداف آن میروند، «بی تفاوت» گردند، یعنی برایشان علی السویه

حزب توده ایران بدام تحریرکات نخواهد افتاد

از جندی پیش نیروهای معینی، تحریف و تحریک و حمله و دشمنی و اتهام نسبت به حزب توده ایران را آغاز کرده اند و ادامه میدهند: تحریف در تاریخ حزب و سیاست کنونی آن، تحریک گروههای مستتره برای اشغال دفاتر حزب و مراکز فروش نشریات، تحریک، پرونده سازی، حملات ناجوانمردانه و ایران

بقیه در صفحه ۲

یاردیگر از زبان سخنگوی وزارت خارجه امریکا اعلام شد:  
**امریکا ایران را میخواهد، نه «گروگانها» را**

صفحه ۲

امام خمینی:  
ملت ما اکنون به شهادت و فداکاری خوی گرفته است و از هیچ دشمنی و هیچ قدرتی و هیچ توطئه ای هراسی ندارد  
بگذار این تمالهای تاریخ به اسم اسلام، بر ضد اسلام قیام کنند و به اسم قرآن کریم به قرآن خیانت کنند، این تازگی ندارد.  
(از پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد ۱۷ شهریور)

ایه الحسن بنی صدر، رئیس جمهوری:  
**من خطر اساسی را امریکا میدانم**

\* حضور متحد همه مردم این سرزمین در صحنه، ضامن بقای جمهوری و ضامن پیروزی ما و شکست توطئه های دشمن است.

به مناسبت بزرگداشت روز ۱۷ شهریور، مراسم دیگری در ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر دیروز در میدان شهیدابکر گزار شد. در این مراسم که دهها هزار تن از مردم تهران در آن شرکت کردند، رئیس جمهوری ابوالحسن بنی-صدر، سخنانی ایراد کرد. وی در آغاز ضمن خوش آمد به حضار گفت: «... خطر وقتی است که شما

حجت الاسلام خامنه ای، امام جمعه تهران:  
**آمریکائی که شهیدان ۱۷ شهریور را کوبید، امروز میخواهد ایران را بکوبد**

سلسله جنیان فاجعه های بی دربی و خونین یعنی پنجاه مظلوم-کش و انسان برانداز امریکا همچنان آماده است تا حلقوم این ملت را باز هم بپشازد.

آنروز آمریکا، اسرائیل، مزدوران خارجی، پیشوایان کفر، فاجعه کر بلا ۱۷ شهریور را بوجود آوردند و امروز هم آنها در آنسوی مرزها زنده اند، امروز هم ما هدف و آماج گلوله های هستیم که آمریکای غارتگر جنایتکار و اسرائیل و مزدورانش به سوی ما نشانه رفته اند.

در دومین سالروز جمعه خونین ۱۷ شهریور، توده های میلیونی بر مزار شهیدای گلگون کفن آرزوی



بقیه در صفحه ۸

در صفحات بعد

تلاش امپریالیسم امریکا در راه احیاء «جنگ سرد» محکوم به شکست است  
کانون دانش آموزان ایران: از محیط آرام و سازنده در آموزش و پرورش دفاع کنیم

شیوه باکسازی در وزارت آموزش و پرورش نگران کننده است

ماهی جنوب، حتی در شهرهای جنوب هم نایاب است

**برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!**

در حالیکه هنوز پاسخ مجلس شورای اسلامی ایران به نامه فریکارانه نمایندگان کنگره امریالیستی آمریکا تصویب نشده و تنها در جلسه‌ای مجلس مطرح شده است، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام می‌کند: «امریکا حاضر نخواهد شد

بخاطر سیاست و رویه پیشین خود نسبت به ایران و منظور برداشتن گامی در راه حل بحران بگونه‌ای که مورد درخواست مقامات تهران است غرضخواهی کند»

(اطلاعات ۱۳ شهریور ۵۹) در این خبر، که هم از صدای آمریکا و هم از رادیو گلن پخش شده است، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با بیشرمی تمام در مورد درخواست استرداد اموال شاه گفته است:

«در مورد استرداد ثروت‌های شاه سابق ایران از بانک‌ها و موسسات آمریکائی نیز، چنانچه دولت ایران در این مورد مدارک و اسنادی محکم بپسند در دست دارد، می‌تواند در یکی از دادگاه‌های این کشور به اقامه دعوا بپردازد»

در ادامه همین سخنان، سخنگوی مزبور وقاحت را به حد اعلائی امریالیستی آن، که از مقامات آمریکائی انتظار آن می‌رود، می‌رساند:

«ما بگونه‌ای که ایران می‌خواهد حاضر به غرضخواهی نیستیم، زیرا شکایاتی که از سوی مقامات ایرانی مطرح گردیده است، همه و همه بچندین دولت پیشین آمریکا نسبت داده شده است»

## بار دیگر از زبان سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام شد: امریکا ایران را نمیخواهد نه «گروگانها»...

در این مسطور امریالیسم آمریکا در واقع نکات زیرین را یکبار دیگر با صراحت اعلام میکند:

۱- آمریکا از رویه پیشین خود در ایران، که مطابق نامه مجلس شورای اسلامی ایران، چیزی جز غارت و جنایت طی حداقل ۲۵ سال گذشته نیست، به هیچ روی پشیمان نیست.

۲- آمریکا به گونه‌ای که ایران می‌خواهد، یعنی استرداد دارایی‌های شاه سابق و کسوت شدن دست آمریکا از ایران، حاضر نیست حتی گامی در راه حل بحران بردارد.

۳- امریالیسم آمریکا حتی معتقد به وجود ثروت‌های شاه سابق در بانکها و موسسات آمریکائی نیست و قبحخانه از ایران می‌خواهد که اگر سندی در دست دارد، تازه آنرا در یک دادگاه محلی آمریکا مطرح کند.

۴- در حالیکه در نامه مجلس شورای اسلامی ایران به موضوع تمام نقش کارتر و دولت او در جنایات چندسال گذشته ایران، قبل و بعد از انقلاب، تصویر شده، امریالیسم آمریکا، رندانه همه

نحرف سازند و به واکنشهای ادرست، ناپرخردانه، پرخاشگرانه و غیر اصولی وادارند، ما را وادارند تا به این کنش‌های نادرست و غیر منطقی، واکنشهای نادرست و غیر منطقی نشان دهیم.

اینان در اجرای این نقشه، در ماهیت حمایت صادقانه ما از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی ما از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی مغفله میکنند و چنین وانمود می‌سازند که این حمایت یک مسئله فاکتیک است، مانور است، دروغ است، عوامفریبی است و گویا با این تاکتیک ما قصد «خواب کردن طرف» را داریم، تا زمان بگذرد و نقشه ویژه خود را اجرا کنیم.

این اتهامات، بی پایه و ساخته ذهن امریالیسم و کارگزاران آنست که اتحاد خلق را مرگ خود میدانند و میخواهند با ضیق و دروغ نیروهای را که میتوانند متحد بالفعل باشند، از هم دور و گریزان سازند، تا دوران سروری و آقائی خود را تجدید کنند.

ما نظام جمهوری اسلامی ایران را «طرف» خود نمیدانیم. ما با نظام جمهوری اسلامی ایران در یک صف ایستاده ایم. «طرف» ما، امریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا است، که تا آنرا از خاک خودنماییم و مواضع آنرا در هم نگویم از پای نخواهیم نشست. پشتیبانی ما از خط ضد امریالیستی و خلقی امام خمینی و حمایت از دستاوردهای انقلاب شکوهمندمان، دقیقا از همین جا نشأت میگیرد و خلق الساعه نیست.

حزب توده ایران نه فقط پس از پیروزی انقلاب، بلکه سالها قبل از پیروزی، هنگامی که امام خمینی در تبعید نجف بودند، از مبارزه درخشان ایشان و روحانیت مبارز مرفی پشتیبانی کرده است. گواه این امر شماره‌های روزنامه مردم است، که اغلامیه‌های امام خمینی را تایید و در مقیاس وسیع پخش کرده است. گواه این امر گفتارهای رادیوی پیک ایران، رادیوی حزب ما در دوران مهاجرت است، که در تأیید خطابه‌ها و بیانه‌های امام خمینی دهها گنگتار

دلش برای «گروگانها» سوخته است و در این مورد حتی حاضر نیست گامی بجلو بگذارد. در سخنان سخنگوی وزارت خارجه آمریکا بار دیگر این واقعیت فریاد زده میشود که:

امریکا ایران را میخواهد نه «گروگانها» را!

امریکا حتی وجود ثروت‌های شاه سابق را در آمریکا قبول ندارد، چه برسد به پس دادن آن ثروت... اینها همه از بدیهیات سیاست امریالیسم آمریکاست، که بار دیگر تأیید میشود.

اما در این میان نکته‌ای هست که باید به آن توجه کرد. به نظر میرسد که این واکنش سریع امریالیسم آمریکا در قبال نامه مجلس، که هنوز در جهان منتشر نشده و مردم دنیا از مضمون آن آگاه نیستند، خنده‌دار و بی اعتبار کردن آنست. ضمنا ظاهرا هدف اینست که با موضع گیری سریع، نامه را پاسخ داده تلقی کنند و احتمالا مجلس را از فرستادن آن پشیمان سازند.

مسئله مجلس شورای اسلامی ایران، با بررسی تاریخ مداخلات ایران رسما اعلام میکند که همه روسای جمهوری و همه دولت‌های آمریکا که از رژیم پهلوی پشتیبانی کرده‌اند، سر و ته یک کرباس بوده‌اند و هدفی غیر از اجرای مقاصد امریالیسم آمریکا نداشته‌اند.

و بعد از همه این دروغها، امریالیسم آمریکا اعلام می‌کند که حاضر است با رژیم جدید ایران در مورد «روابط» و «اختلافات» در کشور به مذاکره بپردازد، اما بشرطی که «گروگانها» آزاد شوند!

دیگر روشن است که امریالیسم آمریکا، علاوه بر آنکه نام یک ربع قرن غارت و جنایت را «اختلافات» می‌گذارد، به هیچ روی

به زبانهای فارسی، آذربایجانی و کردی پختی کرده است.

هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران در گزارش سیاسی خود به پلنوم شانزدهم (اسفند ۱۳۵۷) در تأیید امام خمینی نوشت:

«... برخی از روحانیون مرفی به رهبری آیت‌الله خمینی طی یک دوران طولانی در مواضع روشنی ضد رژیم استبدادی شاه و ضد سطره امریالیسم قرار گرفتند و در این راه شعارهای خود را که بازتاب خواستهای اکثریت مردم کشور بود مطرح ساختند»

پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران در اسناد مصوب خود، انقلاب ضد امریالیستی، استقلال طلبانه و خلقی ایران را چنین ارزیابی کرد:

«... با پیروزی مردم ایران در این نبرد تاریخی و با پیدایش ایرانی مستقل و آزاد، یک نمونه روشن دیگر در برابر خلقهای محروم آن کشورهایی که هنوز زیر نظام امریالیسم و ارتجاع‌اند، تجلی میکند و به آنان ندا می‌دهد: خلقها! بپاخیزید! شما نیروی آنرا دارید که امریالیستهای غارتگر مزدوران خرد و فاسدشان را با مبارزه و پایداری قهرمانانه خود بزانو در آورید و راه زندگی آزاد و مستقل و خوشبخت را در برابر خود بگشایید»

بدینسان، ما زمانی از روحانیت مبارز و مرفی جانبداری کردیم که هنوز با احراز حاکمیت سالها فاصله داشت؛ روزی انقلاب ایران را انقلابی ضد امریالیستی ارزیابی و از آن حمایت کردیم که هنوز در نخستین پلکان پیروزی بود و شمار، بعد از شاه نوبت آمریکاست، به فعل در نیامده بود.

تأیید ما از انقلاب، علاقه ما به تثبیت و تحکیم آن و پشتیبانی صادقانه ما از جمهوری اسلامی ایران از خط ضد امریالیستی و خلقی امام خمینی نه حسابگرانه است و نه مانور تبلیغاتی، بلکه از آنجست است که این انقلاب و

## شور انقلابی...

بقیه از صفحه ۱

هویدا میشود. بر ماست که متوجه باشیم، کدام يك از اقدامات و از عمل دستهای ناپاک ضد انقلاب و خرابکاریها و کارشکنی‌هاست و چگونه باید با آنها مقابله کنیم. همچنین بر ماست که متوجه باشیم، کدام يك از اقدامات و تدابیر و تصمیمات مقامات مسئول و نهادها و شخصیت‌های دست اندرکار و یا گروهها و اشخاصی که بنام آنها و در زیر نام آنها عمل میکنند، موجب این دلسردی و نالامیدی ربه تفاوتی میشود، و در این صورت هم راه رفع و جبران آنها را، که صرف نظر از انگیزه و بهانه و صرف نظر از تعدی بودن و یا ناآگاهانه بودن، ثمری جز همان بی تفاوتی انقلاب شکن ندارد، بیابیم.

حجت الاسلام خامنه‌ای بدرستی توجه همگان را، چه در مقامات مسئول و چه در مقامات عامه مردم، باین نکته جلب میکند و میگوید:

«وظیفه ما اینست که کوشش کنیم حالت بی تفاوتی نسبت به انقلاب و سرنواختن انقلاب در مردم بوجود نیاید»

آری، این وظیفه بسیار مهمی است و دارای ابعاد بسیار وسیع سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی و اخلاقی و معیشتی و رفاهی و غیره است. کوشش برای جلوگیری از بوجود آمدن حالت بی تفاوتی، عبارتست از ایجاد شرایط مساعد برای تحکیم و پیشرفت انقلاب - تنه‌اراه جلوگیری از پسویدگی و فروپاشی آن.

در واقع امر، هدف عمده تمام برنامه‌های عملی که دولت جمهوری اسلامی ایران در دست اجرا خواهد داشت و تمام قوانین و مقرراتی که مجلس شورای اسلامی وضع خواهد کرد و تمامی جهدها و کوششها که مقامات مسئول، از رئیس جمهوری تا مسئولان قوه قضاییه، از ادارات دولتی تا نهادهای انقلابی، بعمل خواهند آورد، چیزی جز این نیست.

راه حفظ شور انقلابی و آمادگی توده میلیونی برای دفاع از انقلاب، فقط و فقط راه تعمیق و پیشبرد انقلاب و عملی ساختن اهداف بزرگ مردمی آن است.

ارزیابی درست حجت الاسلام خامنه‌ای حاکی از آنست که: «تاکتیک بحمدالله هنوز در موارد بسیاری در مردم بی تفاوتی نیست... ما احساس میکنیم که چطور شور و هیجان انقلابی در این مردم هنوز زنده است»

آری، علیرغم مشکلات فراوان در کار و زندگی مردم و ناهنجاری‌های پر شمار در گذران روزمره و دشواریهای عدیده در حیات اقتصادی و اجتماعی، علیرغم تبلیغات سیل آسای دشمن و شایعات مغرب پیشمار، علیرغم کارشکنی‌های عمدی و ندانم کاری‌های اسفبار غیر عمدی، واقعیت اینست که هنوز در موارد بسیاری در مردم بی تفاوتی نیست. چرا؟ زیرا در خطوط اساسی خود انقلاب ما به پیش میرود، جهت ضد امریالیستی آن با رزق و محکم تر میشود و امریکای جهانخواه را در تنگنا قرار میدهد و جهت خلقی آن بیش از پیش خودم نمایانند و زالوهای غارتگر، سر راهداران بزرگ و زمینداران کلان را هدف قرار میدهد.

علت تدارم این شور انقلابی در آنست که مردم زحمتکش انقلابی ما شاهدند که اگر هنوز به خواستهای حق خود نرسیده‌اند، اگر هنوز پاسخ بسیاری از سئوالاتشان مجهول است، اگر هنوز سازشکاریها یا فرست - طلبها، انحصار جوییها یا ناپگیریها، قدمها راست میکنند، اگر هنوز قدرت تشخیص دوست از دشمن، انقلابی از ضد انقلابی، مدافع جمهوری اسلامی ایران

از خرابکار، متاسفانه در بسیاری محافل و شخصیتها دیده میشود، با این حال، نبرد با شیطان بزرگ، آمریکا و دفاع از توده مستضعف همچنان خط عمده است. و این است آنچه امیدها را در قلوب زنده نگه میدارد، مشکلات و دشواریها را قابل تحمل میکند، تبلیغات دشمن را رسوا و شایعات را خنثی میسازد. وجود و تداوم این خط عمده است که شور و هیجان انقلابی را هنوز زنده نگه داشته و جلوی بی تفاوتی را در موارد بسیاری گرفته است.

این شور و هیجان میتوانست عظیمتر و بزرگتر و کارسازتر و خلاقتر و آینده سازتر باشد، اگر مقامات مسئول جمهوری تدابیر و تصمیمات لازم را جهت رفع نابسامانیها و تدوین برنامه عملی لازم، با تأمین اتحاد و همکاری کلیه قوای انقلابی کشور و یکپارچه کردن همه نیروهای خلق انقلابی، صدیق و شجاع اتخاذ میکردند.

در انصورت شور و هیجان مردم به آنچنان نیروی عظیم و سین نفوذناپذیری بدل میشد که هرگز هیچ دشمن خارجی و یا داخلی نمیتوانست حتی تصور خنده‌دار کردن جمهوری ما را در مغز ناپاک خود بیوراند.

شور انقلابی خوشبختانه هنوز ناپدید نشده و وظیفه ماوست که ماست که آنرا پایدار و مستحکم و دائمی کنیم. چنان عمل کنیم که در همه موارد، بدون استثنا، بی تفاوتی از میان مردم زحمتکش و نیروهای انقلابی صدیق و فد امریالیست و مردم گرا رخت بریند و شور انقلابی همواره به قوه محرکهای، برای پیشبرد اجتماع و برای سرکوب ضد انقلاب، بدل شود.

وقتی يك ایرانی انقلابی فقط به يك روز موضعگیری نمایندگان مجلس توجه میکند، (جلسه علنی پنجشنبه ۱۳ شهریور ۵۹) میبیند که نماینده تهران از لزوم بسیج میلیونها مردم، برنامهریزی دقیق، بیرون رختن عناصر ضد انقلاب، قطع دست واسطه‌ها، ملی کردن صد در صد بازرگانی خارجی و تقویت سپاه پاسداران صحبت میکند و میگوید: ما با امریالیسم در هیچ شرایطی نمیتوانیم از در سازش در آیم. نماینده محلات میگوید: باید تمام نیروهایمان را برای درهم کوبیدن توطئه‌ها یکپارچه کنیم. سپاه پاسداران را تقویت و عناصر ناپاک را از آن قسفه کنیم. نماینده بندرعباس میگوید: ما نمیتوانیم غافل شویم که دشمن ما شیطان بزرگ آمریکا است و تمام فلاکتها و بدبختیها از آمریکا و سلطه شوم وی بر مردم بوده است.

و نماینده رفسنجان میگوید: قطع رابطه با قدرت استعمارگران کهنه موجهی است برای استقلال و اتکاء به خود... باید هر چه زودتر وسائل تولید به صاحبان اصلی‌اش، که سالیان سال از داشتن آنها محروم بودند، سپرد شود.

همین موضعگیری هاست که در دل مردم امید و شور میآفریند هر تصمیم عملی و گام عملی تدبیر اجرایی، که برای تحقق این موضعگیریهای مردمی وضد امریالیستی گرفته و برداشته شود، آتش شور و هیجان انقلابی را صد چندان خواهد کرد، و هر تصمیم و اقدامی که ناپرخردانه انحصار طلبانه و کوتاه نظرانه نفاق افکنانه و ... گرفته و انجام شود، در جهت عکس عمل خواهد کرد، بر نارضائی و دلردگی و نهایت بی تفاوتی مردم خواهد افزود، و این درست همان چیز است که ضد انقلاب خواهان مرسد آن است.

مسئولیت و وظیفه ماست که داغ این آرزو را بر دل سپاه ضد انقلاب بنشانیم.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود



# تلاش امپریالیسم امریکا در راه احیاء «جنگ سرد» محکوم به شکست است

«جنگ سرد» یعنی حفظ و خامت و تسخیر بین-المللی و اعمال «سیاست از موضع قدرت» علیه کشورهای سوسیالیستی، بلافاصله پس از پایان جنگ دوم جهانی، بوسیله پسرعموهای انگلوساکسون، آمریکا و انگلیس، و نقش پرآوازه دیپلماسی این دو کشور، وینستون چرچیل و جان فوستر دالی، بنیان گزاری شد.

این ضربت سنگینی بود بر آرزوهای دور و دراز پلوینها جوان شهید در جریان جنگ دوم جهانی علیه فاشیسم، بر آرزوهای دور و دراز خلقهای جهان که تصور می کردند، پس از شکست دو خونخوار هیتلریسم، تاریخ بشر وارد مرحله تازه ای می شود و همکاری بین-المللی و همزیستی مسالمت آمیز خلقها و نظامها در کنار هم، عصر صلح پایدار را در جهان پدید می آورد.

خیلی زود معلوم شد که سرمایه داری جهانی از تابع جنگ دوم جهانی بکلی عصبانی است و می خواهد در آن تجدیدنظر کند. سرمایه داری جهانی و بر راس آن سرمایه داری امپریالیستی انگلوساکسون، در مورد جنگ دوم جهانی کور خوانده بود. تصورش این بود که خواهد توانست بدست «ورماخت» (ارتش هیتلری) که زرادخانه همه اروپا را در اختیار داشت، اتحاد شوروی را خرد کند و سپس بلافاصله بر رژیم هیتلر، که در جنگی سخت و خونین با شوروی ضعیف شده بود، یقین زد و کارش را بسازد و به یک تیر دو نشان بزند: هم از شر اتحاد شوروی و هم از شر رقیب فاشیستی خود را خلاص و جهان را بکام خویش سازد.

تجربه طولانی انگلستان طی چند قرن در تاریخ اروپا و نبردش با اسپانیا و فرانسه و پرتغال و روسیه و ترکی و آلمان قیصری او را به اثربخشی سیاست خود مطمئن کرده بود. آمریکا و انگلیس تردید نداشتند که در بازی پیروزند. آنها تشکیل «جبهه دوم» در اروپای غربی را، علی رغم خواست تشکیل افکار عمومی جهان، با پیشروی تمام عقب می انداختند و بقول خود به اتحاد شوروی کمک تسلیحاتی می کردند تا در مقابل تجاوز هیتلری بهتر بايست (این «دکلمه» کمتر از ۲٪ مجموعه تسلیحاتی است که مورد استفاده ارتش شوروی در جنگ دوم جهانی قرار گرفت).

ولی حسابهای آقایان غلط از آب درآمد و چه بسیار حسابها که غلط از آب درمی آید اتحاد شوروی نه تنها مغلوب نشده، نه تنها دو هار فاشیستی را از اراضی خود راند، بلکه آنها را تعقیب کنان، در گناب ایندو، یعنی برلین نابود ساخت و از جهت نفوذ معنوی و سیاسی به قدرت درجه اول مبدل شد.

در موقتی که پیروزی اتحاد شوروی مسلم بود، آمریکا و انگلیس جبهه دوم را تشکیل دادند تا به

مصدق (حاجی ما با هم شریک)، از ثمرات پیروزی برهمند-شوند و نیز در این موقع بود که با وجود مخالفت روزولت با کاربرد بمب اتمی توسط جانشین او که دست نشاندۀ حرف شنوی محافل امپریالیسم بود، برای ارباب اقتصاد شوروی دستور می دهد، سیصد هزار تن اهالی بیگانه شهرهای ژاپنی هیروشیما و ناگازاکی با افکندن نخستین بمبهای اتمی خاکستر گردند و سرانجام در این موقع بود که چرچیل در نطق معروف خود در شهر «فولتن»، ضرورت تبدیل همکاری با شوروی را به مقابله اعلام میدارد و سپس «پیمان آتلانتیک شمالی» (ناتو) منعقد می گردد و سیاست جنگ سرد بوسیله جان فوستر دالی وزیر امور خارجه آمریکا اعلام میگردد: سیاست از موضع قدرت!

سیاست جنگ سرد، که در مجمع پیمان آتلانتیک، بشکل رسمی، در سال ۱۹۴۹، سیاست جهان سرمایه-داری به لیدی آمریکا قرار گرفت، تا احوال سالهای هفتاد، بدون انقطاع ادامه یافت. طی این مدت تمام جهان سرمایه داری و بر راس آن امپریالیسم آمریکا هر «فوت و فتدی» را که از «پیر استاد» یاد گرفته بود، در عرصه های سیاسی، اقتصادی، جاسوسی، نظامی، علمی و فنی، ایدئولوژیک و غیره بکاربرد، برای آنکه کشورهای سوسیالیستی را نابود کند، در میان آنها تفرقه بیندازد، جلوی جنبشهای رهایی بخش ملی و فروریختن سیستم مستعمراتی امپریالیستی را بگیرد. جهان را به جاده نظام سرمایه داری بکشد، اندیشه علمی مارکسیسم-لنینیسم را با سدی از خصومت، سفسطه و دروغ روپرو ساختار و غیره و غیره. این ترفیقه است فتنگی و خون آلود، خطاست اگر بگوئیم که جهان امپریالیستی، به رهبری آمریکا، در این نبرد شیطانی خود موفقیتی نداشت. آنها توانستند بذرف نفاق بیانشانند، در کشورهای سوسیالیستی جریانات ضد انقلابی برآوردند، جنبشهای رهایی بخش را در کشورهای متعددی سرکوب کنند و مسایقه تسلیحاتی بی سابقه ای در تاریخ بسازند (چنانکه از سال ۱۹۴۵ تا امروز مجموعاً ۶ تریلیون دلار!!) صرف تسلیحات شده است.

روزی که این گویوس خاتمه یابد، آنگاه معلوم خواهد شد که چه توطئه غامض بدست امپریالیسم جهانی و سازمانهای جاسوسی و نظامی آن، برای حفظ منافع غارتگرانه بهره کشی سرمایه داری، علیه منافع خلقها، ترتیب داده شده بود، که یک گوشه کوچک آن رژیم شاهنشاهی - ساواکی محدودترها پهلوی در ایران بود. این داستانی است در کارنامه دیرینه بشری بی همتا. پس از آنکه شائناز اتمی و هسته ای شکست خورد و پس از ناکامیهای اولیه آمریکا در تکنیک موشک و

تصرف فضا، و بعد از آنکه روشن شد که اتحاد شوروی و متحدینش از زیر آوارسنگین جنگ قد راست کرده اند و به قدرتی انکارناپذیر بدل شده اند، عاقلترین سیاستمداران جهان سرمایه داری، درباره خردمندانه بودن سیاست دوزخی جنگ سرد، در مقابل سیاست انسانی همزیستی مسالمت آمیز سیستم های اقتصادی - اجتماعی مختلف در شرایط صلح و حل اختلاف از طریق مذاکره و مسایقه صلح آمیز، دچار تردید شدند. کسانی مانند فولبرایت رسماً اعلام داشتند که این سیاست بی درنماست.

در اوایل سالهای هفتاد دولت نیکسون-کیسینجر از یکطرف تحت این فشار و از طرف دیگر سالوسانه و با حسابهای خاص اعلام داشت که عصر «مقابله» گذشته و عصر «مذاکره» در ریه است. این سخن از طرف نیکسون-کیسینجر فقط «دکلمه» تاکتیکی بسواری کسب فرصت بود. امپریالیسم احساس میکرد که در مسئله نظامی برتری گذشته را از دست داده است و سیاست «از موضع قدرت» دیگر پشتوانه مادی ندارد. امپریالیسم نیازمند انتهاز «فرست» بود. این امر از جهت دیگر نیز بویژه برای امپریالیسم آمریکا ضرور شده بود. شکستهای فاش آمریکا در ویتنام او را ذله و فرسوده کرده بود. جنگ ویتنام تعادل درونی جامعه آمریکا را بهم میزد. میبایست از این وضع خود را نجات داد و نفس تازه کرد. همه این ملاحظاتی که آمریکا را واداشت، چنانکه گفتیم، سالوسانه و بدون کمترین صداقت و تنها به قصد انتهاز فرست، به اصل مذاکره روی خوش نشان دهد. دو فرقه نوکر امتحان داده امپریالیسم نیکسون-کیسینجر مامور اجرای این نقشه شدند. طی این مدت، اتحاد شوروی، که در مواضع منطقی و انسانی عاری خود قرار داشت، موفق شد از شرایط مساعد پیش آمده حداکثر استفاده را ببرد صلح و خلقها بکند و اوج این جریان، کنفرانس و اعلامیه هلنسیکی است.

در این فاصله امپریالیسم آمریکا و متحدینش با حرارتی فراوان کوشیدند تا با مصالحه دشکانت تسلیحاتی را بر کنند و بقول خود چاره نوع سلاح جدید هسته ای و عادی بپدیدان آورند و به جنگ ویتنام یا قبول شکستی ننکن خاتمه دهند. وقتی امپریالیسم خود را آماده یافت، نیکسون راه، که برای حفظ ریاست جمهوری خود سر-سختی نشان میداد، با توسل به حادثه «واترگیت» از صحنه بدر کرد. (از این نوع «مذاکره» امپریالیسم علیه همه نوکرانش دارد، که در موقع ضرورت رو می کند). چرا که فوراً بعنوان «رئیس جمهور منسوب» سر کار آمد و او مذاکرات معروف به «مسالت» راه، که در مورد محدود کردن موشکهای دوربرد هسته ای بین آمریکا و شوروی جریان داشت، فرمز کرد. با آمدن گارتز و برژنفسکی ورق برگشت و فصل جدیدی از «جنگ سرد» آغاز شد.

تمام کوشش دولت گارتز-برژنفسکی تا این ساعت - در این راه صرف شده است که اتحاد شوروی و متحدان جهانی او را به عقب نشینی وادارد، برتری نظامی را برای آمریکا تأمین کند، رهبری آمریکا را در جهان سرمایه داری تحکیم نماید و دلار را دوباره بر تخت قدرت بنشاند.

برای اجرای استراتژی نوین جنگ سرد، گارتز-برژنفسکی از هر بهانه ای، استفاده کردند: گاه گفتند

که کوبا در امور آفریقا مداخله می کند. گاه گفتند که اتحاد شوروی در کوبا نیرو پیاده کرده است. گاه مانند زمان مسدود گفتند که ایران گویا بدست کمونیستها می افتد! و گاه گفتند که اتحاد شوروی افغانستان را «دشغال کرده» و امروز درباره حوادث لپستان جنجال برپا می کنند؛ یعنی اسلوبهایی که به اندازه خود امپریالیسم کهنه است.

در این فاصله گارتز - برژنفسکی مسایقه تسلیحاتی را به اوج رساندند. تا سال ۱۹۸۵ آمریکا بیش از یک تریلیون دلار دیگر صرف تسلیحات خواهد کرد. آمریکا، با استفاده از خیانت سادات، جریان بست و بند تنگین کمپدیوید را برآورد. آمریکا با استفاده از خیانت چین می کوشد محور واشنگتن - پکن - توکیو را بوجور آورد. آمریکا علیه هند و افغانستان و ایران بدست ضیاع الحاق و انواع مزدوران خود توطئه می کند. آمریکا در آقیانوس هند و عمان حضور نظامی خود را بشکل بی سابقه ای تشدید کرده است. تبلیغات جنگ سرد و مبارزه با اصطلاح «بندوبند» لویک، که از جانب امپریالیستها و عمال رشکارتکش هرگز جز بنیان زدن، دروغ گفتن و سنسله بافتن نبوده است و نیست، بشکل عجیب تقویت شده است.

ولی در تمام این «توطئه و تشره های» امپریالیستی، هراس و سرگردانی عمیق او نیز احساس میشود، زیرا زمین زیر پای امپریالیسم میلرزد، زیرا امپریالیسم سرزمینهای جدیدی را که زیر سلطه او بوده اند، از دست داده است، زیرا خلقهای دیگری در حال آزاد شدن از زیر سلطه امپریالیسم اند.

بهین جهت با اطمینان میتوان گفت که اگر دور اول جنگ سرد، که بوسیله چرچیل مدالی آغاز شده، بی نتیجه بود، مسلم بدانید که دور دوم جنگ سرد که بوسیله گارتز-برژنفسکی برآورد شده است، نیز بی-نتیجه خواهد بود. اگر آن بار جنگ سرد بیش از بیست سال طول کشید، این بار عرش کوتاهتر خواهد بود. سالهای هفتاد (۱۹۸۰ - ۱۹۹۰) سالهای سرنوشته امپریالیسم در این سالها باید دگرگونی گارتز-برژنفسکی برای تأمین لیدی آمریکا و برتری نظامی راه را به پیش بکشاید و یا باید آئین صلح و همزیستی و همکاری بین المللی پیروز شود.

ما معتقدیم که این دوری راه را به پیش خواهد گشود، زیرا حق است. درست است که در تاریخ ناحق به پیروزیهای میرسد، ولی موقت است. سیر تاریخ بشر طی قرنهای اخیر و بخوبی پیشرفت کند، در فضا، ولی هشتم عدالت اجتماعی و حقیقت علمی را نشان میدهد. شریف ترین زنان و مردان جهان در این جبهه عدل و حق ایستاده اند. انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما به رهبری امام خمینی نیز در این جبهه در مقابل شیطان بزرگ آمریکا، دشمن اصلی انقلاب ایران، موضع گرفته است.

اگر در دور اول جنگ سرد، امپریالیسم-علیرغم «قدرت» بودن خود، شکست خورد، در این دور دوم، که بسیاری از موانع پیشین را از دست داده است، شکستش ناگزیرتر است. لذا ما در پاسخ اینکه، آیا گارتز - برژنفسکی قادر خواهند بود چرخ تاریخ را با بازوهای ناتوان دلار به عقب بازگردانند؟ می گوئیم: «نه، هرگز!»

## ماهی جنوب حتی در شهرهای جنوب هم نایاب است

همراه با افزایش روزافزون قیمت ماهی در بازار، ناهد کمیابی و گرانی ماهی نیزهستم. سهرهای جنوب، که همواره با وفور ماهی روپرو بوده اند، طی سال گذشته کمبود این ماده غذایی را در آشفته بازار کنونی، بسکل دردناکی تجربه کرده اند.

گوشت ماهی، که یکی از مناسب ترین مواد غذایی رای جانمین شدن با گوشت است، در گذشته، ویژه بخاطر قیمت ارزانترش، از این نظر بسیار مورد استفاده قرار می گرفت. ماهی در عین حال از جمله غذاهای سنتی مردم خوزستان است. می توان دهها نوع غذا را نام برد، که با استفاده از گوشت ماهی، کیفیت های مختلف، بر سفره مردم زمکشان این نطقه از کشور ما جای می گیرند. بانوچه به این نکت، می توان تاسیر جای خالی این ماده غذایی را در بازار صاس کرد. برای بررسی وضع فروش ماهی در بازار نوب کشور، خبرنگاران نامه "مردم" گزارش زیر را بازار ماهی فروشهای خرمشهر تهیه کرده اند.

تعداد انواع ماهی، که از دریای جنوب صید و بازار عرضه میشود، بسیار است. انواع معمول آن رحدود ۱۵ نوع ماهی است، که بشکل بیخ زده و تازه بازار بفروش میرسد. اشکال بر سر کمبود ماهی است، زنه تازه و بیخ زده آن به یک نسبت مصرف میشود. انواع گوناگون ماهی، که از دریای جنوب صید و مت بازار خاص خود را دارند، از این رو خریداران ماهی بسته به میزان درآمدشان - مصرف کننده نوع خاص می هستند.

قیمت انواع ماهی - با کیفیت بهتر، از نوع چچیک، با قیمت رسمی شیلات، به ترتیب زیر است:

راههای مناطق بالای شهر است، با کیلویی ۵۰ تومان! ماهی "صبور" که در سالهای گذشته حداکثر جفتی ۵۰ ریال بفروش میرسد، اکنون هر جفت ۸۰۰ ریال است، تازه اگر پیدا شود! البته خریداران هم که سر مراحل بالای شهر درمی آورند و از نوعی خرید می کنند، حندان از این قیمت هادرفشار نیستند.

انواع نامرغوب ماهی در سایر نقاط شهر با قیمت "مناسب" حال مستضعفین توسط دستفروشان عرضه میشود.

سایر انواع ماهی نیز، گرچه از نظر قیمت در سطح پایین تری قرار دارند اما با توجه به طعم و کیفیتشان، نوعی توان آنها را "ارزان" دانست. بهین سبب این ماهی، اگر هم روزی در بازار پیدا شوند، اعتراض و تاراضی خریداران را، بخاطر گرانی بودنشان، بدنبال دارند. قیمت این انواع ماهی، هر کیلو به ریال، مطابق جدول زیر است:

خاور	حلوا ساه	سنگسر	زلیخا	قیاد	شانک
تازه	۱۱۰	۲۳۰	۲۲۰	۱۵۰	۲۲۰
بیخزده	-	۱۳۰	۱۳۰	-	۱۶۰

البته اینها قیمت رسمی دولتی است، که در عرض یکسال گذشته بروی صفحه کاغذ ثابت بود. اما از دو سال پیش، افزایش متوسط قیمت انواع ماهی بیش از ۳۰٪ بوده است!

سری به بازار ماهی فروشهای زمین: در فضای باز گرفته برهبا هو و تار یک بازار، چند ماهی فروش سفول تمیز کردن یا فروختن ماهی هستند. بر سر همین چند فروشنده ای که ماهی بجا مانده از چند روز پیش را می فروشند، غوغایی از خریداران بیاست.

خانم بتول ج در جواب سؤال ما: از قیمت ماهی راضی هستید؟ چنین میگوید: "گدام ماهی آقا، ماهی نیست، اگر هم باشد، بر سر آن جنگ و دعواست. تا چند ماه پیش فراوانتر بود و کمی هم ارزانتر. البته چه از زانی. در قایقهها گوشت، شاید ارزانتر باشد، اما ماهی کیلویی بیست تومان، اصلاً ارزش خریدن ندارد. یک موقتی ماهی چیزی بود که سرفره هر کسی پیدا می شد."

محمد علی، پیر مرد ماهی فروش می گوید: "بازار گدام و بی رونق است. هر چند وقت یکبار تعاونی به ما ماهی میدهد، که ممکن است چند هفته طول بکشد. در این فاصله ما بیگار می شویم." در اناقی که عده های از ماهی فروشها نشستند، سبب اصلی کمبود ماهی را جویای می شویم. یکی از آنان توضیح میدهد: "سهمیه ماهی تازه ما را شیلات میدهد. سهمیه خرمشهر در کل ۳۰۰ تا ۵۰۰ کیلو است، که بوسیله شرکت تعاونی صیادان اروند کنار صید و توزیع میشود. هر کیلو ۵۰٪ قیمت به شرکت تعاونی، ۱۰٪ بابت حمل و نقل و کیلویی یک تومان هم به واسطه های محلی تعلق میگیرد (که اینها هم به قیمت اصلی ماهی اضافه میشود. مقدار ماهی که اینجا توزیع میشود، نسبت به میزان تقاضای شهر، بسیار کم است. ماهم سردخانه نداریم. هر کس یک صندوق دارد، که بهیخ را خرد می کند و ماهی را بسزای چند روز در آن نگاه میدارد. ماهی خیلی زود فاسد میشود در روزهای بعد، به علت گند شدن، قیمتش پائین می آید و با مقداری از آن فاسد و غیر قابل فروش میشود. به این شکل که یکروز ماهی به مقدار زیاد هست و تا چند روز بازاری خالی است. این فقط به نفع مستگیرین است که در خانه "فریزر" (سردکن) دارند و می توانند مصرف یک مدت طولانی خود را یکجا خریداری و انبار کنند، و گرنه ماهی پائین جامعه، با در آمد کم، از کجا می توانند ما محتاج خود را با این صورت تهیه کنند؟"

جوانی که خود را "هادی توش" معرفی می کند، چنین می گوید: "سابق بر این ماهی ها را یک واسطه تحویل می گرفت. مقدار زیادی ماهی در سردخانه نگه داری می کرد و احتیاج هر روز بازار را به ما تحویل می داد. حالا اینکار بدست "شرکت تعاونی صیادان اروندکنسار" و "اداره گسترش" انجام میشود. شرکت تعاونی هنگام توزیع، ابتدا جنس مرغوبتر را به فروشگاه تعاونی، که شعبه تعاونی است، تحویل می دهد، بعد به ما. آن ۵٪ رهام که هر کیلو ۱۰ ریال میشود، از ما می گیرند، ولی از فروشگاههای خودشان نمی گیرند. باید دید آیا ۵٪ جیب چه کسانی می رود؟ خوب این واسطه ها خودشان صاحب "لنج" های ماهی گیری هستند. باید دست آنها کوتاه شود، تا اینطور نباشد که هر وقت میلشان کشید و به شکل که خواستند، به ما ماهی بدهند" یکی دیگر از ماهی فروش های گوید:

"از طرف دیگر ماهی بیخزده، که قبلاً توسط شرکت جاسک صید و توزیع می شد، حالا توسط اداره گسترش به یک گروه تعاونی سپرده شده. آنها بجای اینکه کار صید و باصطلاح کار تولیدی کنند، تنها کار توزیعی می کنند و در کار خود بسیار ناوارد هستند. هنوز راه توزیع را نمی دانند. آنها بیشترین سهمیه را به فروشگاههای خود در آبادان میدهند. در ضمن از کجاها و کشتی های صید بهترین استفاده را نمی کنند و فاصله این صید و توزیع زیاد شده. شیلات باید به این کار رسیدگی کند. در حال حاضر ۲۴ کشتی خوابیده و صید نمی کند.

به فروشگاههای داخل شهر سر می زنیم. تمام فروشگاهها تعطیل است. آنها در طی ۳ هفته، تنها یکبار باز شده اند. در یکی از این دفعات تنها یک نوع ماهی عرضه شده و صف طولانی از مردم را در جلو مغازه ها گرد آورده، در حالیکه ماهی عرضه شده بهیچوجه متناسب با این تقاضای مردم نبوده است.

در سایر بازارها زمان دستفروشی بساط خود را گسترده اند و در غیر بهداشتی ترین شرایط، بدون دسترسی به یخ و یخچال، در این بساط آلوده و فقیرانه، اغلب انواع ماهی را که از صید صید شده است، به مردم فقیر عرضه می دارند. "بی بی"، "سایوت"، "بزم" - این انواع ماهی از بسط در نزدیکی خرمشهر توسط صیادان آزاد صیدی شود، تا سفره بی رمق فروافتادگان را رونقی فقیرانه ببخشد. از قیمت میگو هم، که بتازگی در واقع در ردیف "جملات" قرار گرفته، نباید برسد.

میگو در کیفیت های مختلف، از کیلویی ۲۰ تومان تا کیلویی ۵۰ تومان بهتراست بگوئیم که در بازار یافت نمی شود. در گذشته میگوی خشک شده، مثل هر ماده غذایی محلی دیگری فراوان بود. اکنون نام مرغوبترین نوع آن، یعنی میگوی خشک و تمیز نشده، که نصف وزنش را پس از تمیز شدن از دست میدهد، با قیمت کیلویی ۲۰ تومان از مواد غذایی کباب بازار است.

مردم از دولت انقلاب انتظار دارند که با نظارت دقیق بر امر صید و توزیع انواع ماهی در جنوب، با کوتاه کردن دست واسطه ها و دلالان، در فاصله بین صید ماهی تا عرضه آن به بازار، این ماده خوراکی را به قیمت مناسب و متناسب با تقاضای مردم در دسترس آنان قرار دهد، تا بار دیگر برین سفره در ماندگان و ماهی الفت و آشتی سرفرار شود.

# کار در کوره‌های گچ‌پزی، مثل کار در جهنم است



کار کوره‌کان باید ممنوع شود

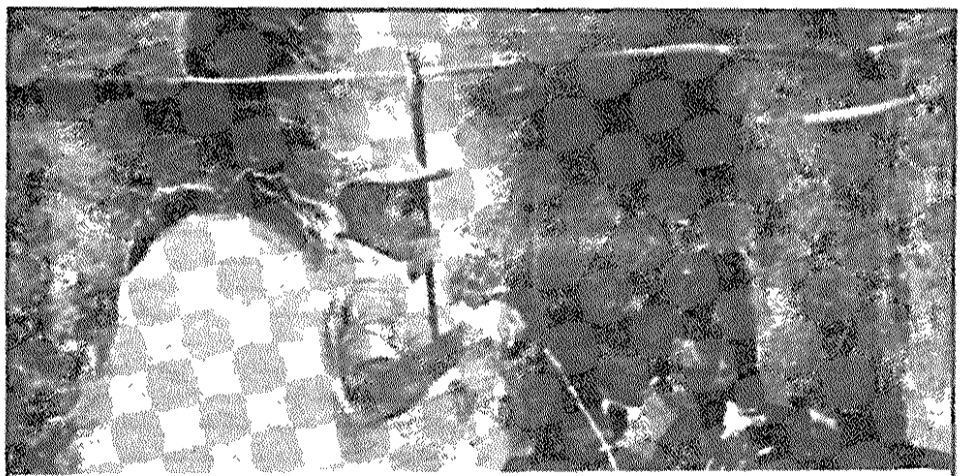
کارگران رابخود نمی‌دهد. از بوی لجن آب آسمان می‌دهد. حالت استفراغ به آدم دست می‌دهد. کارگر خردسالی بنام صفر می‌گوید: "چکار کنیم، مجبوریم همین آب رابخوریم. کی می‌رود برای ما آب بی‌آورد؟"

کوره‌پزخانه حاجی محمود ۱۰ کوره دارد. ابتدا کوره‌کان سنگباراد کوره‌ها قرار می‌دهند. بعد آنکار آنها را می‌بزد و کوره‌کان با زنبه سنگ‌های بخته‌سده را به آسیا می‌برند. در آنجا سنگ‌ها آرد می‌شوند و سپس کارگر دیگری آنها را با رومی می‌زند. کارفرما برای حمل سنگ‌ها حتی با اندازه کافی فرقان در اختیار کارگران قرار نمی‌دهد.

یکی از کارگران می‌گوید: "همه‌جای ما گچی است. بدنمان، توی گوشه‌ها، چشم‌ها، بینی، ریه، روده و همه‌جا."

در محیط کار جسم انسان جایی را نمی‌بیند. علاوه بر حرارت کوره‌ها در گرمای تابستان شرایط کار را دشوارتر می‌کند و بگفته‌نادر:

"کار در اینجا مثل کار در جهنم است." در سایر کوره‌ها هم وضع به همین نحو است. دستمزدها نیز گالان ۸۵ تومان و کوره‌کان متفرع است (۶۰-۷۰ تومان) کارگران از افزایش هزینه‌های زندگی نگران و خواهان اقدامات قاطع دولت در مبارزه با گرانی‌فروشی بودند. ساعت کار از ۶ صبح تا ۵ بعد از ظهر است. هیچکدام از کارگران رسمی و بیمه نیستند و هفتگی روز مزد هستند و تعطیلی برای آنها معهودی ندارد. چون اگر یک روز کار نکنند، نان ندارند. در این کوره‌ها از سندیگاو سوراخبری نیست.



عبدالحسین طالب‌زاده، آشکار کوره حاجی محمود (کوره گچ‌پزی در سروستان فارس) حین کار

# در کوره آهک‌پزی سقز - فقط کار کردن و جان‌کندن و دیگر هیچ

کوره آهک‌پزی حاجی جلیل مالچی، در انتهای خانه‌های جنوب شرقی شهر سقز در کناره رودخانه شهر، بر بالای تپه‌ای کم ارتفاع قرار دارد. محیطی باز با کوهی از رنگ آهک سوخته و پیس‌سستی و بلندیهای زیاد، با شیاهای پراز روغن سوخته و آشفال.

در فضای کوره سایه بانی کوچک، که از برگ درخت ساخته شده، و چنبدسته "بچه" حاوی نان، با کوزه‌های گلی و دوغ و کتریهای سوخته و سیاه و چند استکان خاک‌آلود بخش شده‌اند.

در زیر سایه نیم مترمکعبی، کارگری با لباس کاملاً روغنی خوابیده و از فرط خستگی طاقت فرسا، در خواب خسوس، اصلاً متوجه مانده‌است. او از صحبت‌های ما بیدار شد و پس از معذرت‌و کمی دست - باجگی گفت:

دیشب راسب کار کرده‌ام.

دود رقیقی از کوره بلند شد، که نشانه پایان یافتن کار کوره‌است. به محل موتور کوره رفتیم. سردابی تنگ و تاریک، با راهروهای نسبتاً طویل و پله‌های کج و معوج و حرارتی در مرز ۵۰ درجه سانتیگراد مسئول کوره، کارگری ۳۰ الی ۳۵ ساله با سیمانی چروکیده، با دستان بینه بسته و سراپا روغنی است. وی خود را محمد معرفی کرد. با برخوردی صمیمانه و پاک به سئوالات ما جواب داد. او می‌گوید:

"هفت ساعت دارم و نزدیک هفت ساعت است که در این کوره کار می‌کنم. البته من در قسمت آجربری کار می‌کنم ولی حالا استادکار مسئول کوره را اخراج کرده‌اند و کوره‌ای استادکار می‌خواهید و در آن صورت ما هم بیکار می‌شویم و حقوق نداریم. اجباراً، اینکار را، یعنی مسئولیت کوره، را قبول کردم. البته یکی دیگر از همکارانم در اداره، موتور و کوره کمکم می‌کند."

در مورد کار روزمان و مصرف و درآمدها گفت:

"ما در ماه چهار کوره می‌سوزانیم، که مجموعاً هر کوره ۵۰ تن آهک و ده هزار تولید می‌کند، که در ظرف این مدت یکماه کوره حدود ۴۰ هزار لیتر نفت سیاه می‌سوزاند. هر کوره ده هزار لیتر. و اضافه کرد:

"هر هزار آجر را چهار صد تومان و آهک را تنی سیصد تومان می‌فروشند."

از حقوقش پرسیدم. می‌گوید: "ما روزانه ۵۵ تومان کار می‌کنیم، ولی برای ما دوفتوری که در اداره کوره شرکت داریم و در مدتی که کوره کار می‌کند یعنی شب و روز در اینجا هستیم، ۶۵ - تومان حساب می‌کنند، یعنی برای هر شب کارده تومان. معمولاً روزانه از ساعت هفت شروع به کار می‌کنیم و غروب نزدیک‌های تاریکی دست‌از کار می‌کشیم."

کارگر دیگری، که خود را محمود - محمودزاده معرفی کرد، می‌گوید:

"من و برادر کوچکترم مدت دو سال است که در این کوره کار می‌کنیم و از ده کافی نیاز به فاصله ۷ کیلومتری به اینجا می‌آئیم. صبح‌های ساعت طول می‌کشد تا برسیم و غروبها بینتر از یکساعت من و برادرم ۱۴ ساعت را نان می‌دهیم و به خاطر همین، اینکار طاقت فرسای در این شرایط سخت و با حقو قکم باید تحمل کنیم. ما از تریس بیکاری، نمی‌توانیم مخالفت کنیم."

در مورد وضع بیمه، بهداشت و وسائل ایمنی از او پرسیدیم، جواب داد که: "ما هیچ کدام بیمه نیستیم. روزی هم اگر مریض باشیم، آن روز حقوق نداریم. وسایل ایمنی را هم که خودمان تهیه می‌کنیم. دستکش و پماد را با حقوق خودمان می‌خریم. گفتیم: مگر شما احتیاج به ماسک برای کار در کوره و لباس کار و روسری ماشین ندارید؟" گفت: "آقا اصلاح فرمایند. ما جمعاً هم راه تعطیل نیستیم و اگر تعطیل کنیم حقوق نداریم، یعنی فقط کار کردن و جان‌کندن و هیچ چیز دیگر." در این وقت دوفتور از همکارانش آرد آمدند و محمد با صدای بلند آنها را به سوی ما فراخواند و ما گفت:

"آقا اینها را هم بنویسید، از ما قدیمی‌ترند."

یکی از آنها به نام احمد کریم احمدی شروع به درد دل کرد و گفت:

"من ده سال است که در این کوره کار می‌کنم. مدت کار ما ۲ ماهه در سال است. بقیه سال را بیکاری را هم باید با همین شندناز در آمدن به روتا بستن بگذرانیم. در اینجا از مقررات اداره کار و غیره خبری نیست. شورا و سندیکا ندا هم از نظر ساختمان و وضعیت خیلی خراب است و کارگران امنیت جانی ندارند. او با دست‌خراش‌های را نشان داد و گفت:

"چند روز پیش این قسمت کوره ریزش کرد و خدا رحم کرد که کسی از ما نجات نیابد. در سقز ۶ کوره شیطانی آهک و آجر وجود دارد که تمام شرایط آنها مثل هم است. تازه همه آنها خیلی از شهر دورند و فقط این کوره نزدیک شهر است. راجع به کوره بزرگ و پایی پرسی پرسیدیم که: چرا کار نمی‌کند؟ یکی از کارگران گفت:

"حاجی جلیل به ما می‌گوید که گل برای آجر ندارم، ولی من فکر می‌کنم حساب حساب و خاک نیست، عمداً به کارش نمی‌اندازند."

از آنها پرسیدیم: خواست کلی شم چیست، تا ما آنرا منعکس کنیم؟

یک‌کری احمدی می‌گوید:

"خواست ما اینست که به ما ظلم نکنند. در اینجا همکاران ما این نظر را تأکید کردند و گفتند:

"بله، به ما ظلم نکنند."

یک‌کری احمدی اضافه کرد:

"ما می‌خواهیم حقوق و مزایاییمان برابر سایر کارگران باشد."

آری، اینچنین است وضع ۱۶ کوره - آهک و آجر در سقز. حقوق آنها از حداقل حقوق تعیین شده از طرف اداره کار، ۶۳۵ ریال کمتر است و برای اضافه‌کار می‌پردازند.

از بهداشت و وسائل ایمنی و لباس سرویس و بیمه خبری نیست. جمعه تعطیل نیست. هر کارگری که مریض شد، آن روز حقوق ندارد و فرما هر وقت دلش خواست، آنها را بیرون می‌کند، مانند استاد کار. ولی در یک بر آورد به این نتیجه می‌رسیم که، در راه هر کور حدود چهل هزار تومان نفع خالص دارد.

بیمه وجود دارد، احتمال عواقب نامطلوب بعدی می‌رود.

کارگران معتقدند که با توجه به این که جهاد سازندگی به این وسائل جهت سازندگی استان نیاز مبرم دارد، و همچنین کارگران خواهان دریافت حقوق عقب‌افتاده خود هستند، باید این وسائل به فروش برسد.

کارگران از مقامات مسئول می‌خواهند که هر چه زودتر به سئوالات زیر پاسخ داده شود:

۱- با توجه به اینکه ۱۹۰۰۰۰۰۰۰ ریال بودجه صندوق شرکت کاستین موجود است، چرا حقوق معوقه کارگران را پرداخت نکرده‌اند؟

۲- وزارت کار و امور اجتماعی چپای از اینکه اجازه فروس امکانات شرکت کاستین را داده، در نامه بعدی این حکم را لغو کرده است؟

۳- نامه وزارت کار و امور اجتماعی، که خطاب به دادگاه دوبرود نوشته شده، چرا در صنایع نظامی بیداشده است؟

## حقوق عقب‌افتاده کارگران شرکت کاستین را پرداخت کنید!

پس از پیروزی انقلاب، کار شرکت کاستین دورود (که بیانتکار صنایع نظامی دورود بوده است) را کد ماند. پس از مدتی جهت سازندگی استان قانونی حکم فروس وسایل این شرکت از وزارت کار و امور اجتماعی و دادگاه انقلاب گرفته شد. قرار شد که دادسرای دورود مجری به‌مزایده گذاشتن این اجناس و پرداخت حقوق معوقه کارگران شود. با بررسی که توسط سپاه پاسداران دورود و جهاد سازندگی بعمل آمد، چون بنظر می‌رسید که دست‌های برای سوء استفاده در کار است، لذا قیمت ماشین آلات مزبور توسط کارشناسان تعیین شد. سپس مقدر سده که جهاد سازندگی لرستان این امکانات را به قیمت تعیین شده (حدود هفتاد میلیون ریال) خریداری کند و جهت سازندگی استان استفاده کند.

پس از طی مراحل قانونی، روز ۲۹/۴/۵۹ جهت پرداخت پول مزبور تعیین شد. زمانی که این موضوع آخرین مراحل خود را می‌گذراند، نامه‌ای به تاریخ ۲۴/۴/۵۹، به امضاء آقای نعمت زاده وزیر کار، به دادگاه دورود واصل شد و دستور منع فروس اجناس فوق را صادر کرد.

این موضوع باعث ناراضی کارگران شد و با توجه به تحریکاتی که از طرف عوامل ضدانقلاب در

## کارخانه کبریت سازی زنجان با خطر تعطیل روبروست

کارخانه کبریت سازی زنجان مدتی است که تحت نظارت صنایع و معادن اداره می‌شود. این کارخانه با خطر تعطیل روبروست، چون تعدادی از ماشین آلات کارخانه، به علت فرسودگی و یا از کار افتادن، قابل استفاده نیستند. بعنوان نمونه: دستگاه "کبلیت"، که یک چهارم کارخانه را انجام می‌دهد و همچنین دستگاه "قوطی پرکن" به علت نقص فنی، بسیاری از چوب‌ها را خرد و خراب می‌کند.

یکی از کارگران می‌گفت:

"باید قسمتی از ماشین آلات کارخانه کنار گذاشته شوند و بجای آنها از دستگاه‌های جدید استفاده شود. در غیر این صورت، به احتمال زیاد همین امسال کارخانه از کار خواهد افتاد."

تولید این کارخانه، به علت فرسودگی دستگاه‌ها به مقدار زیادی کاهش یافته است. در بعضی از موارد خرابی‌ها چوب خراب می‌شود و اجباراً به صورت آشفال بیرون ریخته می‌شود.

در کارخانه کبریت سازی زنجان حدود پانصد سی نفر کارگر کار می‌کنند. تعداد کارگران ماهرو متخصص بسیار کم است. بعنوان نمونه: یکی از کارگران، که که متصدی قوطی پرکن است و مهارت زیادی در کار خود دارد، در صورت بازنشسته شدن، هیچ‌یک از کارگران نمی‌توانند جای خالی او را پر کنند. پس اجباراً دستگاه از کار خواهد افتاد.

در این کارخانه از کولر، هواکش، حمام، محیط

زیست بهداشتی، سالن غذاخوری خبری نیست نسبت به سابق هیچ تغییری در کارخانه صورت نگرفته است. همچنین دستمزدها کارگران بسیار کم است و یک از ناراحتی‌های عمده کارگران همین پائین بودن سطح دستمزدها است.

وزارت صنایع و معادن باید هر چه زودتر درم بازسازی این کارخانه تصمیم فوری و ضربتی اتخاذ کند، تا این مرکز تولیدی از کار نیفتد.

**تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است**



# برای تشکیل اتحادیه‌های دهقانان فعالانه‌کوشش کنیم

### (توجه کنید! ضرورت تشکیل و هدفهای اتحادیه، طرز تشکیل و نحوه عمل آنرا با حوصله و دقیقاً برای دهقانان علاقمند توضیح دهیم)

همه میدانند که دهقانان یکدست نیستند، بلکه چند دستفشانند. گروهی راه‌دهقانان تهیدست می‌نامیم، که بی‌زمین ندارند و یکم دارند. آنها اغلب آه‌دارند که با ناله سودا کنند. دسته دیگر دهقانان متوسط یا میانه حال هستند، که سر و ته زندگی را هر طور شده بهم وصل میکنند. ولی نارسایی در زندگی و کار زیاد دارند. و بالاخره گروه سوم دهقانان مرفه یا دولت‌مند هستند. این تقسیم بندی بیشتر مربوط میشود به مقدار زمینی که آنها در اختیار دارند و کشت می‌کنند.

دهقانان بی‌زمین و کم زمین و دهقانان میانه حال، یعنی دودسته اول، راه‌دهقانان زحمتکش می‌گوئیم. چرا؟ برای اینکه آنها خرج زندگی خود را خانواده‌ها از طریق کار خود و خانواده بر روی زمین بدست می‌آورند و زندگی آنها از بهر کوشش نمی‌گذرد، بلکه خودشان زحمت می‌کشند و البته اغلب مورد استثمار هم قرار می‌گیرند.

دهقانان مرفه معمولاً دیگر روستائیان را هم بکار می‌کشند و صاحب زمین بیشتر و وسایل تولید هستند و به همین علت می‌توانند بهره‌کشی هم بکنند. آنها دارای درآمدهای جنبی دیگری هم هستند و به نسبت روستائیان زحمتکش در رفاه بسیار برند، که آنهم البته نسبی است، زیرا در دهی که وسایل رفاهی نیست، به زحمت می‌توان مرفه زندگی کرد.

اما، بجز دهقانان، افرادی هم هستند که در جامعه روستایی ماحاکم و حاضر هستند، که زمین‌های زیاد دارند و به آنها جمیع مالکان بزرگ می‌گوئیم. این افراد با بقایای همان اربابان و فئودال‌ها و خانها هستند و با سرمایه‌داری که زمین‌های مکانیزه زیادی دارند. اینها سالهاست دهقانان و همچنین کارگران کشاورزی را بر روی زمین‌ها بکار می‌روانند. اینها از سیره جان زحمتکش تغذیه می‌کنند و محصول دسترنج آنها را بجزیب خودشان می‌ریزند و به زحمتکش روستایی پول بخور و نمیری میدهند.

از نظر سیاسی زمین‌داران بزرگ و سرمایه‌داران بزرگ، وابسته به امپریالیسم هستند، یعنی منافع آنها در این است که کشور مستقل و قائم بماند و نیاند و بسود زحمتکشان گام برندارد. آنها میخواهند که حکومت کشور، یک حکومت نوکر صفت و دست نشاندۀ امپریالیسم باشد، تا آنها هم ثروت های مملکت و دسترنج دهقانان را ببلعند. بنابراین به همین علت، کلیه دهقانان که دائماً زیر فشار این بزرگ مالکان قرار دارند و بی‌اثرترند و چپاول آنها فقیرتر میشوند و بی‌اثر شهرها و آواره برای خرج خانواده خودشان درمانده میشوند، با هم در مبارزه با این زالوهای خوانخواه بیگانه پست در یک صف قرار می‌گیرند، و علیه غم‌اینکه یکدست نیستند، خود را با دشمن مشترکی روبرو می‌بینند.

علاوه بر این، آنها می‌بینند که نه مدرسه درست و حسابی دارند و نه یک جاده سالم که از آن برای سفر و حمل بار و محصول بارساندن بیماران به شهر استفاده کنند و نه آب بهداشتی و حمام و درمانگاه برخوردار هستند. علاوه بر این زورگویان اجازه نمی‌دهند که حرف دلشان را بزنند. در رژیم گذشته زورگویان، از ژاندارمری و ساواک و ایادی مسلح و چاق‌دار مالک

بزرگ برای سرکوب دهقانان استفاده می‌کردند. حالا دهقانان ایرانی در مجموع دهقانان زحمتکش بطور اخص، خود را در برابر وضع دیگری می‌بینند.

اولاً قرار است اصلاحات ارضی واقعی انجام شود، که برای همین کار لازمست خود دهقانان هشیار و متحد باشند، تا بر نیروی مالکان بزرگ و عمال آنها پیروز شوند.

ثانیاً آنها از انقلاب خودشان انتظار دارند که برای بهتر شدن وضع زندگی و برای بدست آوردن وسایل کار و تولید و عمران ده اقدامات جدی انجام شود. برای این کار هم لازمست آنها دست بدست هم بدهند و خواست های خود را تنظیم کنند و برای به کرسی نشاندن آن مبارزه کنند.

دهقانان خودشان به تجربه دیده‌اند که چگونه در سالهای اخیر وقتی با هم متحد شدند در انقلاب شرکت کردند، و بالاخره توانستند، با کمک زحمتکش شهری، رژیم فاسد و وابسته، ضد ملی و ضد دهقانی شاه سابق را، که نوکر امپریالیسم آمریکابود، بر سر راهبری امام خمینی، سرنگون کنند.

اتحاد و همکاری، وحدت عمل، میوه‌های شیرین میدهد. برای رسیدن به مطالبات حقه خود باید متحد شد و وحدت داشت. همه دهقانانی که با انقلاب موافق هستند و با امپریالیسم مخالف هستند، باید اتحاد داشته باشند.

حالا هم که انقلاب بر رهبری امام خمینی و شرکت وسیع توده‌های زحمتکش پیروز شده، باید با هم اتحاد را حفظ کرد، زیرا باید از انقلاب دفاع کرد و هدفهای آنرا عملی ساخت. انقلاب مازمانی واقعا پیروز میشود که نفوذ امپریالیسم را برای همیشه از بین برده باشیم. امپریالیسم به کمک ابادی داخلی خودش، یعنی مالکان بزرگ و سرمایه‌داران بزرگ، در کشور ما ریشه دوانیده است. برای اینکه این ریشه‌ها را خشک کنیم، باید علیه مالکان بزرگ مبارزه کنیم. یعنی آن زمین‌های وسیع، که وسیله غارت مالکان بزرگ است، باید به دهقانان واگذار شود. این زمینها اغلب غصبی است و بزور از دهقانان و پدران دهقانان گرفته شده و باید به مالک واقعی آن برگردد. مالک واقعی زمین کسی است که روی آن کار میکند. حالا که انقلاب مستقیمین می‌خواهد حق را به حق داری برساند و قانون اصلاحات ارضی تصویب شده است، باید دهقانان برای حفظ انقلاب و هدفهای آن، با هم این اتحاد خود را حفظ کنند، تا قانون کاملاً و بیدرستی انجام شود و دهقانان به زمین و رفاه برسند.

### دهقان عزیز!

باید با هم متحد باشید، تا کسانی را که با خواست شما مخالفت دارند، یعنی مالکان بزرگ و ایادی چوب بدست آنها و عمال امپریالیسم را، که اصلاً مخالف جمهوری اسلامی ایران هستند و نمی‌خواهند کشاورزی ما رونق بیاورد و شازندگی بهتر و انسانی داشته باشید، از میدان بدرکنند.

باید آنچنان با مقامات اجرائی و نهادهای انقلابی همکاری کرد و آنها را راهنمایی نمود که زمین‌های مالکان بزرگ تماماً و بدون استثنا به دهقانان تهیدست واگذار شود و بساط اربابی بکلی از بین برود.

باید به روشد تولید کمک کرد و در زمین‌های شاع، با کمک مراکز خدمات کشاورزی ده، تعاونی‌های واقعی را بوجود آورد، با ییاددهات رانوسازی و بسازی کرد و شرایط و زندگی شایستهای را بوجود آورد.

دهقانان! دشمن در کمین است. باید

انقلابی که زمین و آزادی و زندگی بهتر را وعده میدهد و استقلال و پیشرفت را به همراه می‌آورد، حفظ کرد. همه آن دهقانانی که برای رسیدن به این هدف‌ها بدینقع هستند و میخواهند خودشان کوشش کنند که در این جهت جلو رود، میتوانند متکامل شوند، دست بدست هم دهند و اتحادیه‌های دهقانان را بوجود آورند. اتحادیه‌های مال کشاورزی و خدمات به شاست و بدست خود شما بوجود می‌آید.

حالا ببینیم اتحادیه‌های دهقانان چیست و چه کسانی در آن میتوانند شرکت و فعالیت کنند؟

### هدف و وظایف اتحادیه‌های دهقانان چیست؟

هدف اصلی از تشکیل اتحادیه‌های دهقانان آن است که زحمتکش روستایی در سازمانهای محلی، که مناسب با شرایط خود محل باشد، دور هم جمع شوند و با اتحاد و یاری همدیگر برای رسیدن به خواست ها رفع احتیاجات خود و بهبود محیط زندگی خود در ده، فعالیت کنند و از حقوق و منافع خود پاسداری کنند. بطور کلی هدفهای اتحادیه‌های دهقانان عبارت است از:

۱- کمک به اجرای اصلاحات ارضی، یعنی رسیدن دهقانان بی زمین و کم زمین بزمین (با کمک نهادهای انقلابی که بنفع شماکاری کنند) و ریشه‌کن کردن زور و غارت بزرگ مالکی، که همه اقشار و دستهای دهقانی از آن رنج می‌برند.

۲- حل فصل مسایل و مشکلات تولید کشاورزی، دامداری، صنایع روستایی و غیره بنفع اقتصاد کشور و کسانی که آنها را تولید می‌کنند.

اتحادیه‌ها با کمک به هم جمع دهقانان و حمایت کلیه اهالی، نیروی مهمی است که میتواند طلب کند برای زحمتکشان کار را ایجاد شود و کمک کند تا مقامات مسئول، تعاونی‌های واقعی تولید را بوجود آورند و برای رونق دادن به کشاورزی، پیشنهاها و ابتکارهای خود دهقانان را عملی کند و روش‌های نو و وسایل جدید را به دهقانان معرفی کند.

۳- مشکلات و نارسایی‌های ده روستاییان و ارزیابی کند و برای عمران و آبادی روستا بهتر کردن محیط زندگی کوشش کند، و از شورای ده بخواهد و با شورای ده همکاری کند، تا این مشکلات رفع شود.

۴- کمک به ایجاد گسترش امکانات رفاهی و تامین اجتماعی یک رشته دیگر فعالیت اتحادیه‌های دهقانان باید باشد. دهقانان وقتی متحد باشند، توسط سازمان خود، یعنی این اتحادیه‌ها، میتوانند بشورای ده، به ادارات محلی، به نهادهای انقلابی مراجعه و طلب کنند که این مسائل حل شود.

۵- اتحادیه‌های دهقانان همچنین برای تشکیل دهقانان بخاطر مبارزه علیه ضد انقلاب و عوامل امپریالیسم و حفظ دستاوردهای انقلاب و تقویت نهادهای انقلابی و مردمی لازم است. تا این وظیفه مهم انجام نشود، تمامی هدفهای دیگر بدست نخواهد آمد.

این ها وظایف اتحادیه‌های دهقانان است، که خود شما بهتر میدانید که چقدر اجرای آنها مهم است، و خود شما بهتر میدانید که در ده شهر یک از این وظایف و مسائل چگونه مطرح است و چه مشکلاتی وجود دارد و کدامیک باید زودتر حل گردد و راه آن چیست؟

وقتی فهمیدیم که وظایف اتحادیه‌های دهقانان چیست، باید بدانیم که این اتحادیه چگونه باید وظایف خود را انجام دهد و چه کسانی را ما برای اجرای آنها بکنند؟

ببخاطر خدمت به اتحادیه دهقانان و پیشرفت مبارزه آنان در جهت دفاع از جمهوری اسلامی ایران، زندگی بهتر و کشاورزی شکوفان برای نابودی بزرگسالانکی و هر گونه پایگاه ضد انقلابی در روستاها

### سازمان اتحادیه دهقانان

برای آنکه اتحادیه ایجاد شود، باید همه دهقانان یک ده، که اهمیت اتحاد و همکاری برادران را فهمیده‌اند و میدانند که یکدست صدانند و علاقمند به اتحادیه شده‌اند، دور هم جمع شوند. وقتی عموم دهقانان علاقمند دور هم گرد آمدند، در مدرسه یا مسجد، در خانه‌های یاسرزمزعه‌ای، یا هر جای دیگر، باید کلیه خواست ها و وظایف را، که ما بطور خلاصه دره مورد فوق آنها را یادآوری کردیم، بنویسند. این نوشته، اساسنامه اتحادیه است که همه آنرا تصویب می‌کنند و چند نفر را از بین خود، که با آنها اعتماد داشته و فعال باشند، به عنوان "هیئت مدیره" انتخاب می‌کنند، تا کارهای اتحادیه را انجام دهد. هر دهقان عضو اتحادیه، مطابق تصمیمی که جمعا در همان جا خود دهقانان میگیرند حق عضویت می‌پردازد و از طریق این پولها مخارج اتحادیه تامین می‌شود.

### اتحادیه دهقانان در کجا عمل می‌کند؟

هر اتحادیه دهقانی میتواند در یک ده و یا چند روستای نزدیک بهم یا متصل بهم و یا در محدوده یک دهستان تشکیل شود. وقتی چند اتحادیه در یک بخش تشکیل شد، این اتحادیه‌ها میتوانند با حفظ استقلال خود بیکدیگر پیوندند و شورای اتحادیه‌های دهقانی بخش را تشکیل دهند. تجربه‌هایی که از گذشته موجود است، نشان میدهد که، با هم شورای اتحادیه‌های چند بخش میتواند شورای اتحادیه‌های شهرستان و شوراهای چند شهرستان، شورای اتحادیه‌های استان را بوجود آورد.

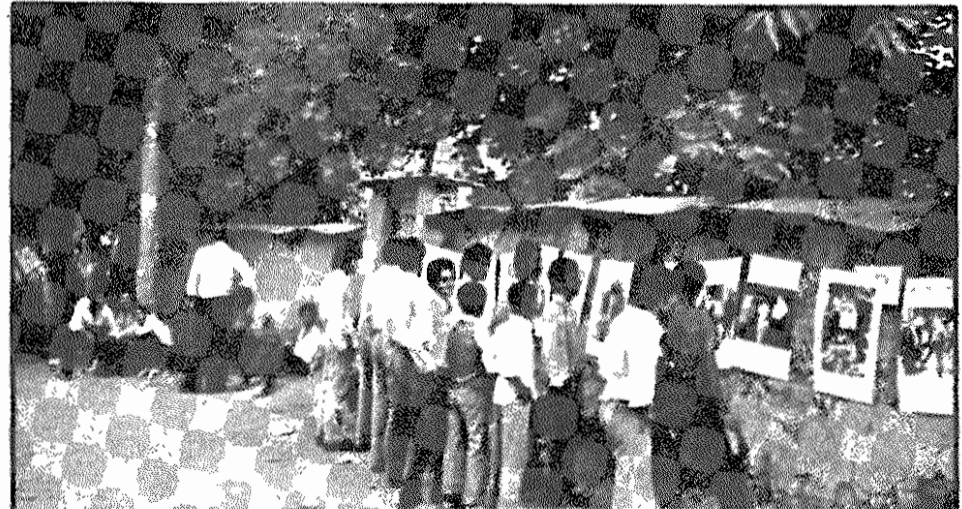
بالاخره از اجتماع شوراهای اتحادیه‌های استان - های کشور میتواند مرکزی یا کانونی برای اتحادیه‌های دهقانان ایران بوجود آید.

دهقانانی که سالمتر هستند و در دهاتشان، قبل از دیکتاتوری شاه سابق، اتحادیه‌های دهقانی وجود داشته، حتماً باید با و برنگردند که اتحادیه‌های دهقانان در سطح شهرستان و استان میتوانند طبق ضوابط افراد شاعل در شهرها را، که به علت فعالیت های خود در امور اجتماعی و سیاسی به زندگی و آینده دهقانان علاقمند هستند، مثل مهندسان کشاورزی، حقوق دانان، پزشکان، کارکنان فنی بهداشت و درمان، کارشناسان کشاورزی و دامداری، کارشناسان مسائل اجتماعی، فرهنگیان و دانشگاہیان، نویسندگان، هنرمندان، بعنوان عضو وابسته به اتحادیه خود بپذیرند و از تجربه و فعالیت آنها استفاده کنند.

دهقانان عزیز! شما که خودتان علی‌ه مالکان بزرگ مبارزه کرده‌اید و میدانید که مسئله اصلی شما زمین و سپس امکانات رفاهی و تولید بیشتر و استفاده از تسهیلات لازم دولتی نظیر وام و تعیین قیمت عادلانه و خرید تضمین شده و امور عمرانی روستا است، همه جا اتحادیه‌های خود را تشکیل بدهید و در راه بهتر شدن زندگی خود، با لای بردن تولید و دفاع از انقلاب اقدام کنید.

اتحادیه دهقانان ضامن موفقیت شماست. موفق باشید!

## روستای کار تیج کلا - کیا کلا (مازندران)



نمایشگاه عکس از جنایات امپریالیسم آمریکا، که مورد استقبال روستائیان، بخصوص دهقانان جوان قرار گرفت

**قانون اصلاحات ارضی باید در جهت ریشه کن ساختن بزرگسالانکی و دادن زمین به کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین، هر چه سریعتر و قاطعتر اجرا شود**

انقلابی و قاطع برای حل مشکلات اساسی خود هستند. دهقانان می‌گویند: اگر طرحهای مبت و سازنده برای این روستا اجرا نشود، مردمی که در جریان انقلاب دسته جمعی در تظاهرات شرکت فعالانه می‌کردند، دچار حالت دل‌سردی و بی تفاوتی خواهند شد. روستائیان از دولت و نهادهای انقلابی میخواهند که در جهت تامین خواستهای آنها و رسیدگی به مشکلات این زحمتکشان محروم، اقدامات عاجل بعمل آورند. برای حفظ دستاوردهای انقلاب و جلوگیری از سوءاستفاده عوامل ضد انقلاب، کمک به روستائیان و رفع نیازهای آنها ضرورت دارد.

## با حل مشکلات، دهقانان گلورا به انقلاب خوشبین سازید

محروم می‌شوند. زنان نیز عموماً می‌توانند و دخترانی که دوره ابتدایی را تمام می‌کنند، چون مدرسه راهنمایی وجود ندارد، نمی‌توانند به تحصیل ادامه دهند.

با توجه به زمستان سرد و طولانی در این منطقه و نبودن حاد ارتباطی مناسب، رفت و آمد بسیار مشکل و حتی غیرممکن است. همچنین دریا نیز بسیار نیز، به علت اینکه اطراف روستا را آب می‌گیرد، ارتباط با روستاهای دیگر و سایر با اشکال مواجه است. در این روستا شرکت تعاونی وجود ندارد، فقط عده‌ای از اهالی در شرکت تعاونی روستای "نه‌کران" عضو هستند، که مشکل جاده مانع از ارتباط مرتب آنها می‌شود.

این روستا فاقد حمام، برق، درمانگاه، وسائل ورزشی و تفریحات سالم، مخزن تامین نفت و فرورسکاه است.

آب مصرفی مردم از جایی، که بعد از انقلاب احداث شده، تامین می‌گردد. البته کارلوله‌کشی آغاز شده و ادامه دارد. برای انجام این طرح از هر خانوار ۱۳۰۰ تومان پول گرفته‌اند. (۳۰۰ تومان برای امتیاز و ۱۰۰۰ تومان برای خرج لوله کشی). بنایه اظهار اهالی، شورای ده بطور انحصاری تشکیل شده و مردم در انتخاب اعضای شورا نقشی نداشته‌اند و حتی بعضی می‌گویند، اعضای شورایی آنها ناشناخته است، لایه به همین علت هم هنوز اقدامی برای اهالی و در جهت رفع مشکلات مردم انجام ندادند و این امر باعث ناراضی آنها گردیده است. اخیراً با خودیاری و کمک اهالی پلی ساخته شده است، که در برابر سایر نیازهای آنان فقط یک اقدام ناچیز بنام می‌رود. اهالی خواهان اقدامات

روستای "گلورا" در دهستان ویلیج از توابع سخن نمین، شهرستان اردبیل، در ۱۵ کیلومتری جنوب نمین و ۴۰ کیلومتری اردبیل، در منطقه‌ای کوهستانی واقع است.

جمعیت تقریبی روستا ۹۰۰ نفر (۱۳۰ خانوار) است، که اغلب کشاورز کم زمین و تعدادی نیز بی زمین هستند. هنوز تعدادی زمین‌دار، که ساکن شهران هستند، وجود دارد. آنها زمین‌ها را به روستائیان اجاره می‌دهند و هر ساله جهت دریافت محصول از کشاورزان به روستا می‌آیند. این امر نشانگر اصلاحات ارضی "سازمان" است، و به همین دلیل اصلاحات ارضی واقعی بیش از پیش ضرورت دارد.

درآمد مردم اکراً از راه کشاورزی است، ولی کفاف احتیاجات آنها را نمی‌دهد، بطوریکه زنان نیز بجز کارهای خانه‌داری و رسیدگی به دامها، فرش هم می‌بافند، تا کمکی به اقتصاد خانواده باشد. محصولات روستا عبارتند از: گندم، جو، عدس، گاوآنه، سیاه‌دانه، نیج و شنبدر، که قسمتی از خود مصرف می‌کنند و بخشی نیز بفروش می‌رود. خریداران اکثراً دلال و واسطه هستند و تولیدات را به قیمت ارزان می‌خرند.

ضمناً کشاورزی به صورت دیم است و از رودخانه‌ای که از وسط روستا می‌گذرد، تقریباً هیچ استفاده‌ای نمی‌شود. امکانات رفاهی روستا بسیار محدود است، به طوری که فقط یک مدرسه ابتدایی دارد و دانش‌آموزان پس از پایان این دوره و ادامه تحصیل، باید به روستای "نه‌کران"، که مدرسه راهنمایی دارد، بروند. آنها در صورت توانایی ادامه تحصیل در دوره دبیرستان، باید به شهر اردبیل بروند، که اغلب از عهده مخارج سنگین آن بر نمی‌آیند و از ادامه تحصیل



# شیوه پاکسازی در وزارت آموزش و پرورش نگران کننده است

در دوران قبل از انقلاب، که آموزش و پرورش به یکی از عرصه‌های مهم فعالیت ساواک و مبلغان و مداحان رژیم پهلوی مبدل شده بود، رژیم منغور میخواست اعتقاد به فرهنگ استعماری، نظام شاهنشاهی و انقلاب سفید آرپامهری رادرضمیرساک کودکان و نوجوانان بنشانند و از آنان انسانهایی فاقد عشق به توده‌ها و وطن، در خدمت نواستعمار، معتقد به نظام منغور شاهنشاهی و کیش شخصیت آریا - مهری بسازد.

برای حصول به این هدف، هم برنامه ریزان دست چین شده آموزش و پرورش برای اجرای چنین برنامه ای انتخاب می‌شدند و هم ساواک در استخدام کادر آموزشی وزارت آموزش و پرورش دقت فسرانوان بکار می‌برد، تا حتی الامکان در خدمت به این اهداف تولید بکار آیند.

اما نیازها و ضرورت‌ها و قانونمندی‌های تکامل جامعه بر مراتب قوی تر از خواست رژیم بود، و به این جهت در میان کادر آموزشی کشور، انبوهی از معلمان و دبیران و مدیران و مربیان مبین دوست، آزادیخواه، مترقی و ضد رژیم قرار داشتند، که نه مداح رژیم بودند، نه تبلیغات گمراه کننده آنها در مغز کودکان و نوجوانان نشاندند، نه خود را به آن رژیم سفاک فروختند و نه علیرغم خطرات با رژیم همکاری کردند، بلکه بعکس، هر کجا فرصت یافتند، بطور آشکار و نهان، کودکان و نوجوانان را به مقاومت در برابر جباران، به سلطه ناپذیری، به هماوایی با خواست های زحمتکشان فراخواندند، و همین قشر از کادر آموزشی وزارت آموزش و پرورش بود که خود با انقلاب همگامی داشت و دانش آموزان را به صحنه نبرد علیه رژیم پهلوی به خیابانها کشانید، که از درخشانترین برگهای مبارزات کودکان و نوجوانان است.

انقلاب به پیروزی رسید و پاکسازی عناصر ضدانقلابی و ساواکی، بعنوان یکی از وظایف میرم انقلاب، در دستور کار قرار گرفت. امام خمینی بارها و بارها ضرورت پاکسازی را توصیه کردند، اما سیاست دولت گام به گام، مانع عمده در راه اجرای پاکسازی واقعی در دستگاه اداری، ارتشی و فرهنگی بود، که به بهانه استفاده از تخصص، وابسته نمیتوان تمام کارمندان را از بنسٹ میزها به خیابانها ریخت، ساواکیها و وابستگان رژیم سابق بر سرست های خود باقی ماندند و چه بسیار که، ترقی رتبه و مقام هم یافتند.

در وزارت آموزش و پرورش، پاکسازی با کمال تاسف، از آغاز با شیوه‌های نادرست و زبانبخش همراه بود و هنوز همراه است. در کنار پاکسازی عناصر ضد انقلابی، ساواکیها و طاغوتیها، که لازم و درست و جدا بود، معیارهای دیگری هم برای پاکسازی انتخاب شد، که بطور عمده بر کاوش عقاید و مواضع سیاسی این یا آن فرد متکی بود، در نتیجه عناصر صریح انقلابی هم، که برجسب "غیراسلامی" بر بیستانی شان خورد، مشمول تصفیه شدند. از این نلخ تر آنکه، چه بسا تنها چهارچوب معینی از اسلام معیار قرار گرفت و به تشخیص این یا آن مقام وزارت آموزش و پرورش، این یا آن مامور پاکسازی، کسانی که در این جارجوب نمی گنجیدند، مشمول تصفیه

قرار گرفتند و یادامتحانات استخدامی رد شدند. به مورد مشخصی اشاره می کنیم:

در دی ماه گذشته، نماینده امام، آقای محمدتقی بشارت، به مدیریت کل آموزش و پرورش باسوج نامه می نویسد و در مورد یک دختر جوان فارغ التحصیل دانشسرای قدما می، که استخدام او در آموزش و پرورش این شهر پذیرفته نشده، تاکید میکنند که:

"ایشان اقرار دارند که نمیتوانند بر ایمان و اعتقاد دینی خود ثابت باشد، بهرحال وضع ایشان را روشن بفرمائید چون شرایط زندگی خانوادگی او طوری است که میخواهد بار مخارج را بر دوش بگیرد و پدر پیر خود را هم یاری کند."

مدیر کل آموزش و پرورش در پاسخ می نویسد: "نامبرده به علت عدم ایدئولوژی اسلامی صلاحیت استخدامی ندارد."

این نحوه پاکسازی، با مصالح انقلاب تباین کامل دارد.

بنظر ما، پاکسازی انقلابی فقط یک معیار دارد، و آنهم درجه ایمان فرد به انقلاب و آمادگی او برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خدمت به اهداف انقلاب است. حرا این صابطیه، همه صوابط دیگر نادرست و زبانبخش است.

محتوی انقلاب ما، صد امیرالیهی، دموکراتیک و خلقی است. هر فردی که به اس حار - حوب مومن باشد و باین اهداف خدمت کند، حتی فعالیت و خدمت مشروع و قانونی در نظام جمهوری اسلامی ایران را دارد، و در غیر اینصورت، هر فردی ضدانقلابی است و باید پاکسازی شود. اگر پاکسازی بر نالوده این معیار انجام شود، بسود انقلاب است و بجز این، بزیان انقلاب.

اگر قرار باشد نعلق به ایدئولوژی واحد را معیار نیک آرید، صالح از صالح، انقلابی از ضد - انقلابی قرار دهیم، آسان است که هر عنصر ضد - انقلابی و هر مزدور ساواک و ساز با انقلاب، سه هیئت یک "مسلمان متعصب" در آمده، زیر پای خود را حکم کند و با حفظ مواضع خود، افکار زهر آگین خویش را در مغز و قلب کودکان و نوجوانان ماجرای سازد.

آموزش و پرورش نیاز به معلم و مری خوب دارد و معلم خوب، غیر از دانستن بطومات کافی، باید تجربه کافی هم داشته باشد. اگر معلم و مری، هم از معلومات و تجربه کافی برخوردار است و هم معتقد و مومن به انقلاب، در اینصورت میتواند بر سر شغل خویش بماند، و مصلحت انقلاب بست که یک معلم آموخته و بیبرار و وفادار به انقلاب را، که هموز سالیان دراز قادر به کار است، بجزم دکرانندی، پاکسازی کند.

انقلاب ما باید باز آفرین فرهنگ ملی ما در سوند با فرهنگ مترقی جهان باشد، دست بسند و باین راز دست و پای تکامل کشور بردارد و فرهنگ محتضر و نیمه جان کنونی را بویایی و خلایق بخشد، و این جز بدست افراد مومن به انقلاب، مجرب و کارآموده، امکان پذیر نیست. باید بتوان خادمان به انقلاب را، در هر لباسی که هستند و با هر مقله‌ای که می اندینند، باز شناخت و آنانرا بخدمت انقلاب گماشت، و نه آنکه بی دلیل آنانرا خانه نشین ساخت.

## پارلمان لهستان بررسی برنامه‌های دولت را آغاز کرد

خبرگزاری لهستان اعلام کرد که پلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان برگزار شد. در این پلنوم، کافیا به سمت چائین دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان انتخاب شد، و ادوارد کبیرک بخاطر عارضه شدید قلبی، موقتا از این سمت معاف شد.

از سوی دیگر سیم (پارلمان لهستان) برای بررسی برنامه‌های دولت تشکیل جلسه داد. یوزف پیتکوفسکی، رئیس شورای وزیران لهستان اعلام کرد که مردم کاملا از بازگشت اوضاع به حال عادی احساس رضایت میکنند. پیتکوفسکی گفت که باید کارهای بنیادی صورت بگیرد. شورای وزیران شروع به تنظیم برنامه‌های درازمدت کرده است و تدابیر اتخاذ شده، حل حاد ترین مسائل را دربر می‌گیرد. اصول اساسی، اولویت دادن به هدفهای اجتماعی و مشارکت فعال طبقه کارگر در اجرای برنامه‌هاست. افزایش دستمزدها ادامه خواهد یافت.

پیتکوفسکی، ضمن اشاره به برنامه‌های مربوط به بهبود اوضاع کشاورزی و سیاست‌های حزب متحد کارگری و حزب متحد دهقانی، تاکید کرد که همکاری اقتصادی، علمی، فنی و تجاری با اتحاد شوروی و کشورهای عضو شورای همکاری‌های اقتصادی برای لهستان ارزش فراوان دارد و باید از این همکاری کاملا استفاده کرد.

نخست وزیر لهستان گفت که در برابر تلاش عوامل ضد سوسیالیست، که می‌خواهند در کشور خراب کاری کنند، قاطعانه ایستادگی می‌شود. مردم لهستان اصول سیاست خارجی را که کاملا بنفع کشور است تایید می‌کنند. از جمله این اصول، دوستی با همسایه و دوست بزرگ لهستان اتحاد شوروی است.

## گودتای بولیوی به نفع انحصارات خارجی انجام شد

حکومت قانونی بولیوی برهبری "سواسو" نامزدی که در انتخابات ریاست جمهوری اکثریت آراء را بدست آورده است، اعلام کرد که تأسیسات نهایی به مبارزه علیه دارودسته گودتاجی در کشور ادامه خواهد داد.

یک سخنگوی حکومت قانونی بولیوی، که بطور زیرزمینی فعالیت می‌کند، تاکید کرد که گودتاجیان پایگاهی میان کارگران، کشاورزان و روحانیون ندارند و اکنون ناپت شده است که گودتا بنفع انحصارات خارجی صورت گرفته است.

## دبیر کل حزب کمونیست پاراگوئه را در آرژانتین ربودند

کمیسیون سیاسی حزب کمونیست پاراگوئه، با نشار به بنایهای در بونئوس آیرس، اعلام کرد که آنتونیو مایدانا، دبیر کل حزب کمونیست پاراگوئه، ماه گذشته در بونئوس آیرس ربوده شد.

کمیسیون سیاسی حزب کمونیست پاراگوئه اعلام کرد که سفر اخیر وزیر دفاع رژیم دست‌نشانده پاراگوئه از آرژانتین، احتلالا به مسئله استرداد مایدانا ارتباط دارد. حزب کمونیست پاراگوئه از افکار عمومی جهان حواست که دولت آرژانتین را تحت فشار قرار دهند تا محل اقامت مایدانا میهن - برست بزرگ پاراگوئه را مشخص سازد.

## دیدار علمای مذهبی افغانستان از پاکستان شوروی

یک هیئت از علمای مذهبی افغانستان برای دیدار از جمهوری ازبکستان شوروی وارد این جمهوری شد. این هیئت در طول اقامت خود در ازبکستان شوروی، با پیشرفت‌های خلق ازبک آشنا می‌شود.

محمد حسن آرش، رئیس هیئت علمای مذهبی افغانستان، گفت که، تجارب گرانهای جمهوری ازبکستان برای افغانستان دموکراتیک اهمیت اساسی دارد. وی گفت که مادر این باز دید اطلاعات بسیاری از زندگی مسلمانان اتحاد شوروی بدست می‌آوریم. محمد حسن آرش گفت که مسلمانان اتحاد شوروی در کمال آزادی مراسم مذهبی رایجی آورند و آزادی مذهب کاملا مورد احترام است. این هیئت افغانی تاکید کرد که ساختن زندگی مانند مردم ازبکستان آزادی طلبی همه کشورهای مسلمان است.

## معاون شورای انقلابی افغانستان: دولت انقلاب برای مذهب احترام کامل قائل است

سلطان علی کشتمند، معاون شورای انقلابی افغانستان، در مقاله‌ای در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" نوشت:

"هدف دولت انقلاب، دمکراتیزه کردن زندگی در کشور است. سلطان علی کشتمند اضافه کرده است: "ساختن زندگی نوین در افغانستان بر اساس خصوصیات ویژه یک ملت مسلمان صورت می‌گیرد و دولت انقلاب برای مذهب احترام کامل قائل است."

وی تاکید کرده است: "به اصطلاح مسئله افغانستان، موضوعی است که مخالفان انقلاب به آن دامن می‌زنند. سلطان علی کشتمند افزوده است:

"دولت افغانستان خواهان صلح است و آماده است با همسایگان خود، ایران و پاکستان، برای حل و فصل مسائل وارد مذاکره شود."

از سوی دیگر برآودا، از گان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام کرد که هر روز حقایق نازهای دموور کک آمریکا و رژیمهای دست‌نشانده عرب به پاندهای افغانی بدست می‌آید.

برآودا اضافه کرده است:

شعبه "بانک آو عمان، در پیشار پاکستان، کشایش یافت. این بانک "هزینه" پاندهای افغانی را تامین میکند. آمریکا، عربستان و دیگر کشورهای دست‌نشانده عرب، به حساب این بانک پول میریزند و رهبران به اصطلاح جمعیت اسلامی از این پول برداشت میکنند و با این پول هزینه جنگ‌افزارهای مردن‌تأمین می‌شود."

از سوی دیگر گزارشهای رسیده از افغانستان نشان میدهد که نیروهای مسلح افغانستان، با کمک مردم، در مبارزه با اوباشانی که از پاکستان به کشور فرستاده می‌شوند، پیروزیهای هرچه بیشتری بدست می‌آورند. در چند مورد اوباشان دارطلبانه تسلیم شده‌اند.

## اعتراض وسیع کشورهای مترقی منطقه علیه قرارداد آمریکا - سومالی

اعتراض کشورهای افریقایی و کورهای حوزه خلیج فارس و اقیانوس هند به موافقتنامه آمریکا و سومالی، که طی آن رژیم سومالی موافقت کرده است پایگاه نظامی در اختیار "نیروهای واکش سریع" آمریکا قرار دهد، روز بروز گسترش می‌یابد.

روزنامه‌های ترقی‌خواه بیروت اعلام کرده‌اند که امپریالیسم آمریکا، با استفاده از پایگاههای خود در سومالی، کوبا و عمان، استقرار نیروهای واکش سریع در این پایگاهها، قصد دارد که جنبش آزادیبخش ملی را در منطقه سرکوب و منافع انحصارات غارتگر نفس را حفظ کند.

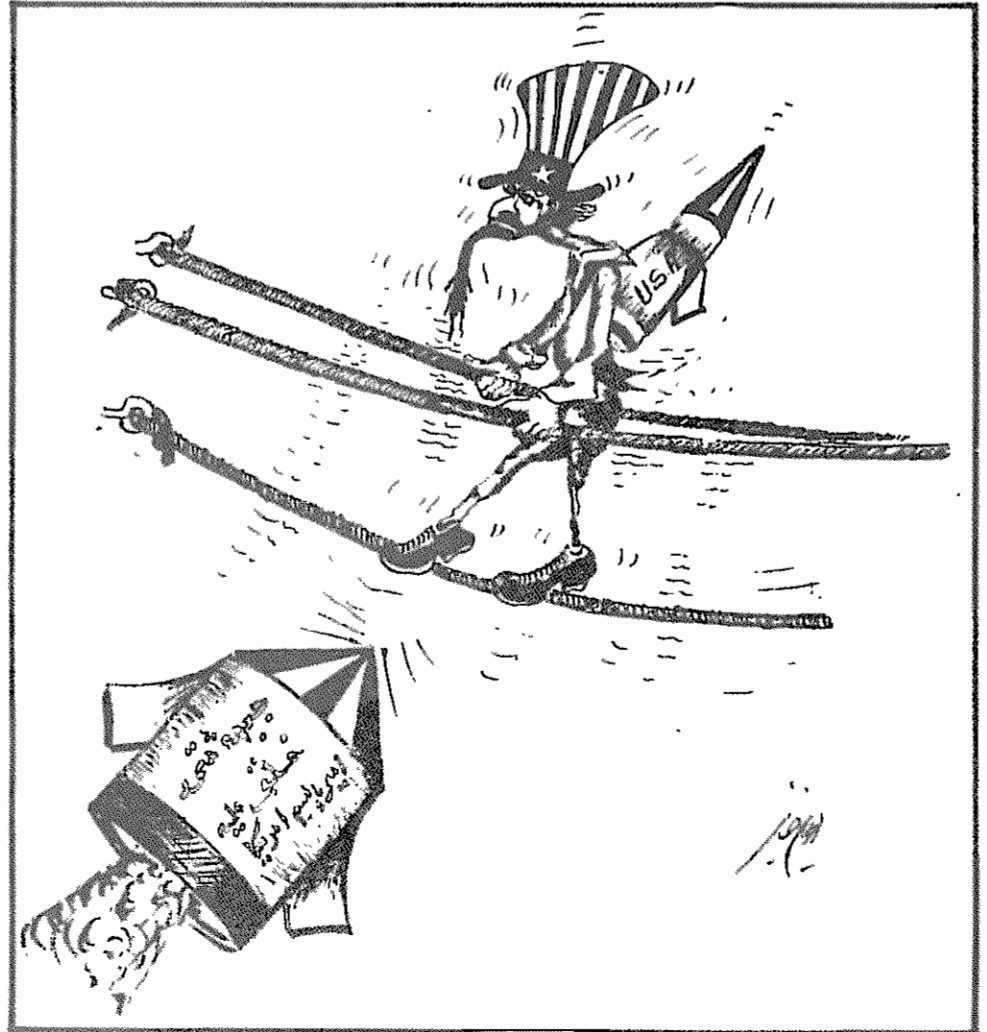
بنوشته این روزنامه‌ها، واشنگتن از سوی دیگر پذیرفته است که سلاح‌های مدرن در اختیار رژیم سومالی قرار دهد و بدین ترتیب در اختلاف سومالی و اتیوپی آشکارا از سومالی حمایت کند.

سیاست آمریکا در این زمینه با منشور سازمان وحدت افریقا، که در آن مرزهایی که هنگام استقلال یک‌یک کشورهای افریقایی بوجود آمده، "تغییر ناپذیر" اعلام شده، کاملا مغایرت دارد. اکنون امپریالیسم آمریکا در ادعای ارضی رژیم سومالی نسبت به خاک اتیوپی کاملا جانب سومالی را گرفته است.

از سوی دیگر وزیر خارجه اتیوپی اعلام کرد که موافقتنامه آمریکا و سومالی به آمریکا اجازه می‌دهد که از سرزمین سومالی برای استقرار "نیروی واکش سریع" استفاده کند و این امر خطری بسیار جدی برای حاکمیت کشورهای مستقل است.

وزیر خارجه اتیوپی گفت که امپریالیسم آمریکا بار دیگر تلاش دارد که "دیپلماسی کشتی توپدار" را بکار گیرد تا رژیم‌های نواستعماری را به خلقهای خاورمیانه افریقا تحمیل و بدین ترتیب جنبش آزادیبخش ملی را سرکوب کند. تحت این شرایط، نیروهای ترقی‌خواه در منطقه باید صفوف خود را منسلا، بادشمن مشترک خود مقابله کنند.

خبرگزاری آنگولا نیز تبانی آمریکا و سومالی را در مناسفه آشکارا تومسه‌طلبی آمریکا در جهان عرب خوانده و اعلام کرده است که آمریکا می‌خواهد حضور خود را در شاخ افریقا افزایش دهد، تا بتواند از طریق دریای سرخ و خلیج عدن به منطقه نفتخیز دسترس داشته باشد.



گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد





در جلسه یکشنبه مجلس:

# مجلس کابینه‌ای را که در خط امام نباشد، تصویب نخواهد کرد

## جامعه و انقلاب تحمل وضع بلا تکلیف فعلی را ندارد

در جلسه علنی روز یکشنبه مجلس، که به ریاست حجت‌الاسلام رفسنجانی، در ساعت ۹ و ۴۵ دقیقه صبح تشکیل شد، اسامی افرادی که رئیس جمهوری بسا شرکت آنها در کابینه جدید موافق است، اعلام شد. در ابتدای این جلسه، حجت‌الاسلام رفسنجانی در مورد سالروز ۱۷ شهریور از جمله گفت:

«۱۷ شهریور، روز تاریخی و افتخار آفرین برای ملت و ننگ و نفرت آفرین برای رژیم منحوس پهلوی و اربابانش بود. ملت ایران در این روز نشان داد که برای احقاق حق خویش از همه چیز و حتی جان خود می‌گذرد. رژیم با ارتکاب جنایت هولناک ۱۷ شهریور تمام پلها را پشت‌سر خود خراب کرد. آن فاجعه رژیم را در وضعی قرار داد که برایش نه راه برگشت و آشتی وجود داشت و نه راهی برای ادامه بقای خود. مجلس مراتب تلیت و تبریک خود را به خانواده‌ها و بازماندگان شهیدای عظیم‌الشان ۱۷ شهریور اعلام می‌کند.»

پس از سخنان رئیس مجلس، بررسی و تصویب طرح دوفوریتی عدم استفاده از عملیات تابستانی، که قرار بود در این جلسه صورت گیرد، بعلمت اهمیت بررسی کابینه به کمیسیون امور داخله مجلس ارجاع شد. آنگاه حجت‌الاسلام رفسنجانی، متن نامه ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهوری و محمدعلی رجائی نخست وزیر را برای نمایندگان قرائت کرد.

رئیس‌جمهوری در نامه مذکور عدم مخالفت خود را با ۱۴ تن از وزراء اعلام کرده است. اسامی ۱۴ وزیری که مورد تصویب رئیس‌جمهوری واقع شده‌اند، عبارتست از:

- ۱- وزیر آموزش عالی و فرهنگ دکتر حسن عارفی
- ۲- وزیر ارشاد ملی عباس دوزدوزانی
- ۳- وزیر بهداشتی دکتر هادی صافی
- ۴- وزیر بهزیستی دکتر محمدعلی فیاض‌بخش
- ۵- وزیر پست و تلگراف و تلفن محمود قندی
- ۶- وزیر دفاع سرهنگ جواد ققوری
- ۷- وزیر راه موسی کلانتری
- ۸- وزیر شهرسازی و مسکن محمدشهاب گنابادی

۹- وزیر صنایع محمدرضا نعمت‌زاده  
۱۰- وزیر کشاورزی محمد سلامتی  
۱۱- وزیر کشور حجت‌الاسلام محمدرضا مهدوی‌کنی  
۱۲- وزیر مشاور و سرپرست شرکت فولاد ایران محمود احمدزاده

۱۳- وزیر نیرو حسن عباسپور  
۱۴- وزیر مشاور در امور اجرایی بهزاد نبوی  
محمدعلی رجائی نخست‌وزیر نیز در نامه خود اسامی کاندیداهای منتخب خود را برای وزارت اعلام کرده بود.

پس از قرائت این نامه‌ها، نمایندگان در این مورد به بحث پرداختند. از جمله اشکالاتی که نمایندگان به کابینه وارد می‌دانستند، این بود که چرا هیئت دولت کامل نیست؟ چرا نام معرفی نمایندگان از جانب خود آقای رجائی نوشته نشده است؟ چرا اسامی وزراء زودتر در اختیار نمایندگان قرار نکرده است؟

پس از سخنان نمایندگان، آقای رجائی توضیحاتی پیرامون نحوه معرفی کابینه به نمایندگان داد و از جمله گفت:

«جامعه و انقلاب تحمل وضع بلا تکلیفی فعلی را ندارند... بنابراین زیاد متوجه خشکاشی گذاشتن و ایده‌آل فکر کردن چیزی است که از همان موفقیت نسبی ما هم جلوگیری می‌کند. لذا بهتر است همین کابینه معرفی شود.»

پس از پایان سخنرانی چند مخالف و موافق، رای گیری بعمل آمد و قرار شد که در جلسه روز سه‌شنبه، بحث و بررسی روی کابینه و برنامه دولت جدید انجام شود.

آنگاه حجت‌الاسلام رفسنجانی به مسئله عدم حضور بیش از ۴۰ تن از نمایندگان مردم نقاط مختلف کشور در مجلس اشاره کرد و گفت:

«بهمین جهت آئین‌نامه‌ای از جانب شورای نگهبان برای انتخابات تقاطی که وکیلی در مجلس ندارند، از طریق وزارت کشور، به مجلس رسیده است. پیشنهاد میکنم بعلمت فوریت مسئله، بحث تصویب و اجرای این قانون، که مدت محدودی را دربر می‌گیرد، به کمیسیون امور داخله ارجاع شود.»

پیشنهاد رئیس مجلس پس از بحث‌های طولانی، که در موردی بعلمت بی‌نظمی مکرر دکتر آیت‌مجر به‌اخراج وی از جلسه شد، به تصویب نمایندگان رسید و مدت اجرای این آئین‌نامه ۶ ماه تعیین گردید.

جلسه بعدی مجلس، که دستور آن بحث روی کابینه آقای رجائی خواهد بود، امروز (سه‌شنبه) ساعت ۸ صبح تشکیل می‌شود.

وزاری که از طرف آقای رجائی معرفی شده‌اند و در لیست آقای بنی‌صدر نامشان وجود ندارد، عبارتند از: علی‌اکبر پروش وزیر آموزش و پرورش موسی نوربخش وزیر اقتصاد و دارایی داودی برنامه و بودجه اصغر ابراهیمی وزیر نفت مهتدس موسوی وزیر خارجه احمد توکلی وزیر کار

علیه انقلاب افغانستان دارد، که او خود نیز چون انقلاب ایران با توطئه‌های مشابهی روبروست.

«نیوزویک»، نشریه مبلغ نظریات امپریالیستی آمریکایی نیز ۱/۳ صفحه «میزان» را به تبلیغات مسموم و کذب خود اختصاص داده است (ولی در «میزان» ذکر نشده که مقاله مربوطه از «نیوزویک» است!)

شماره نخست «میزان» از نشریه‌ای که مصالح انقلاب بزرگ ایران را درک کرده باشد، نشان ندارد، پالمکس، «میزان» با کتمان کردن خطر امپریالیسم آمریکا و سکوت در قبال آن و نیز با انتشار تبلیغات امپریالیستی علیه اتحاد شوروی و سوسیالیسم، تلاش دارد که افکار مردم ایران را منحرف کند و دشمن اصلی را از زیر ضربه خارج سازد و در نتیجه به زیان مصالح انقلاب عمل می‌کند.

این مشی همان مشی است که لیبرالها و دولت موقت، با پیروی از آن، ضربات جدی بر انقلاب ایران وارد ساخته مشی که توطئه‌های آمریکا را «فرضی» و مبارزه ضد امپریالیستی مردم را «نادانی»، «جسارت» و «حدت بیسابقه» می‌نامید و به مشی‌سازی کام به کام با امپریالیسم موصوف گردید. گرداندگان «میزان» خود اعتراف می‌کنند که «از همکاری برادران وابسته به نهضت آزادی ایران»، بهره‌مند هستند، که خود تائیدی بر مدعای فوق است.

## «میزان»، چه میزان در خط انقلاب ایران است؟

بنابراین انتظار میرفت که «میزان»، که خود در سرمقاله شماره نخست خود دعا میکند که «میادای فریب و سوسه‌ها و تزئینات شیطانی را «بخورد» و با تیر کردن و جهت‌دادن مغرضانه به مسائل و حوادث، سقوط کند، همچون هر نشریه مشبه و فادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در راستای افشای چهره امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، دعوت مردم به هشیاری و اتحاد در قبال خطر اصلی و واقعی، فوری و جدی این دشمن اصلی و شیطان بزرگ و دفاع از مستضعفان در قبال مستکبران، حرکت کند و... اما آنچه که درست در «میزان» فراموش شده است، خطر امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های خطرناک آن است، و بالعکس آنچه که با «تزئینات شیطانی» و «تیر کردن» و «جهت‌دادن» «خطرناک» رانموده شده است، دوستان انقلاب ایران و متحدین آنست!

در «میزان» از خطر امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های خطرناک آن اصلاً سخنی نیست، اما یک صفحه کامل از این نشریه اختصاص به دروغ‌های نشریه انحصارات امپریالیستی آلمان یعنی ایشینگل،

بالاخره روزنامه «میزان» پس از مدت‌ها تبلیغات پرخرج و گسترده در روزنامه‌ها و خیابانها، که طی آن انتشار آنرا بمردم نوید میدادند، انتشار یافت و نخستین شماره این روزنامه صبح، در ۱۶ شهریور ۵۹، در ۱۲ صفحه با قطع بزرگ، بدست خواننده رسید.

«میزان» در شرایط ویژه‌ای از تاریخ انقلاب ایران، با عرصه وجود می‌نهد، شرایطی که در آن مردم انقلابی کشورما، مسئولان صدیق جمهوری اسلامی ایران و نهادها و نیروهای انقلابی مدافع انقلاب ایران، هر لحظه در انتظارند تا با یورش گسترده قریب‌الوقوع امپریالیسم آمریکا برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران، قاطعانه به مقابله برخیزند، آماده‌اند و آماده میشوند تا این تلاش خائسانه را نیز در هم کوبند.

«میزان» در شرایطی «اجازه انتشار می‌طلبد» دعا میکند که «خدمت هم‌آهنگی به صاحبخانه عرضه» نماید، که «صاحبخانه»، یعنی توده‌های مردم ایران، خود در شدیدترین و حادث‌ترین رزم تاریخ زندگی خویش علیه جنایتکارترین و غدارترین دشمن بشریت، یعنی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، برای تیل به استقلال و آزادی، رفاه و سعادت، درگیرند و مردم، رهبر انقلاب و مسئولین صدیق جمهوری اسلامی ایران، همه قلمها و تفنگها را بسوی شیطان بزرگ آمریکا، دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، نشانه رفته‌اند.

## کانون دانش‌آموزان ایران:

# از محیط آرام و سازنده در آموزش و پرورش دفاع کنیم!

نامه سرکشاده کانون دانش‌آموزان ایران به:

مسئولین آموزش و پرورش اولیاء دانش‌آموزان و دانش‌آموزان انقلابی سال تحصیلی را در شرایطی آغاز می‌کنیم که امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب - پس از شکست‌های بی‌دری به‌منظور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران - بدنبال دسیسه‌های جدیدی می‌گردند. طبق اخبار موثقی که بدست ما رسیده، امسال نیز، همچنان که از طریق رادیوهای توطئه‌گر امپریالیستی (بختیار، اویسی) مرتباً اعلام میشود و مزدوران امپریالیستی نیز دهان به دهان نقل میکنند، ضدانقلاب

قصد دارد که روزهای اول ماه مهر تظاهرات و اعتصاب دانش‌آموزی راه انداخته، نگذارند که مدارس آغاز بکار کنند.

از سوی دیگر برخی از گروه‌های سیاسی، آگاهانه یا ناآگاهانه، قصد دارند که به بهانه باز شدن دانشگاهها، این یا آن نارسائی آموزشی و یا برخی از تصمیمات ناصواب آموزش و پرورش، بعنوان اعتراض، کلاس‌های درس را تعطیل کنند.

ما همچون گذشته معتقدیم که در شرایط حساس کنونی هرگونه آشوب، اعتصاب و تظاهرات تنها و تنها بسود امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و ضدانقلاب است.

با توجه به بسیاری از مشکلات و نارسائی‌هایی که هنوز در آموزش و پرورش وجود دارد، که مهم‌ترین آن تغییر نیافتن نظام آموزشی و بدنبال آن تغییر نیافتن محتوی کتابهای درسی، کمبود جای مدارس، و یا ابلاغ برخی آئین‌نامه‌های نادرست، از جمله آئین‌نامه ۸ ماده‌ای ثبت‌نام دانش‌آموزان (که درباره آن قبلاً به مشروح صحبت کردیم) و تصفیه بی‌مورد عده‌ای از مدیران و یا باز شدن دانشگاهها در آغاز سال تحصیلی و... است، زمینه مساعدی برای ایجاد هرج و مرج و

آشوب و سوءاستفاده ضدانقلاب بوجود می‌آورد، لذا ما مسئولین آموزش و پرورش، والدین دانش‌آموزان و دانش‌آموزان انقلابی هشدار میدهم که مسئله بسیار جدی است، و از آنها می‌خواهیم که نگذارند امسال نیز مدارس محلی برای سوء استفاده ضدانقلاب گردد. اکنون ضدانقلاب بی‌صبرانه منتظر آغاز سال تحصیلی است، تا با همان شیوه قدیمی خود، یعنی ایجاد تشنج، و به کمک عناصر دست‌نشانده‌ای که در مدارس بجای گذاشته است، کانون‌های متعدد هرج و مرج و آشوب بیافریند. در چنین شرایط حساس و سرنوشت‌ساز است که دفاع از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن حکم می‌کند، با برخورد مسئولانه به مشکلات و حفظ هوشیاری انقلابی، نگذاریم مدارس، همچون سال گذشته، عرصه تاخت و تاز عناصر ضدانقلاب و گروهکهای «چپ» و راست افراطی گردد.

مسئولین آموزشی می‌توانند با رفع سریع برخی از نارسائی‌ها، اتخاذ تصمیمات ضروری و منطقی، نظر خواهی از معلمان، اولیاء دانش‌آموزان و دانش‌آموزان درباره پاره‌ای از مسائل، تأمین و رعایت حقوق دانش‌آموزان (از طریق تشکیل شوراهای مدارس و اتحادیه

در جریان برگزاری مسابقات کشور شرکت داشتند، برنارد و دوچرخه‌سواری ۲۶۰ کیلومتری هاینولت، قهرمان فرانسوی، موفق شد به مقام قهرمانی این مسابقات فتح کند.

## «برنارد هاینولت» شاتج مسابقات بین‌المللی شرانسه شد

در جریان مسابقات شاتج بین‌المللی شرانسه شد، برنارد هاینولت، قهرمان فرانسوی، موفق شد به مقام قهرمانی این مسابقات فتح کند.

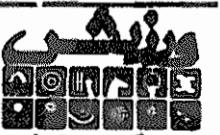
## تیم بسکتبال جوانان شوروی قهرمان اروپا شد

تیم بسکتبال جوانان اتحاد جماهیر شوروی به مقام قهرمانی اروپا دست یافت. تیم جوانان شوروی در دیدار نهایی موفق شد که در رقابت‌های نزدیک، با نتیجه ۸۳ بر ۸۱ تیم یوگسلاوی را شکست دهد.

## مسابقات تشویقی وزنه برداری برای نوجوانان

از طرف فدراسیون وزنه‌برداری ایران اطلاع داده شد که، اولین سال مسابقات تشویقی وزنه‌برداری برای نوجوانان زیر ۱۸ سال، با شرکت ۵ منطقه، در شهر کرد، از روز چهارشنبه ۱۹ شهریور ۵۹ الی یکشنبه ۲۳ شهریور ۵۹، انجام خواهد شد.

متر قورباغه و ۲۰۰ متر کرال پشت شدند. در ۲۰۰ متر قورباغه، فرشاد جعفرپوش، با رکورد سه دقیقه و هشت ثانیه توانست بمقدار ۸ ثانیه و دو دهم ثانیه این رکورد را بهبود بخشد. در ۲۰۰ متر کرال پشت نیز، جشید قدیمی، با رکورد دو دقیقه و ۴۸ ثانیه و ۶ دهم ثانیه، به مقدار ۴ ثانیه و چهار دهم ثانیه رکورد این رشته را بهبود بخشید.



## دو رکورد شقای ایران شکسته شد

در جریان مسابقات انتخابی تیم شقای تهران، در گروه سنی ۱۳ و ۱۴ سال، دو شناگر موفق به شکستن رکوردهای ایران در رشته‌های ۲۰۰

### فقیه عالیقدر آیت الله منتظری..

بقیه از صفحه ۱

کشاورزی و دامپروری، بازرگانی و امور مالی، خدمات اجتماعی نظیر پزشکی و غیره است. زیان این امر، به ویژه در شرایط کنونی، که دشمن اصلی ما امپریالیسم پسگردگی امپریالیسم آمریکا، به محاصره اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دست زده و همه نیروهای چپینی خود را علیه آن بسیج کرده است، بمراقب جدی تر و مهمتر است.

زیان تعطیل دانشگاهها در نوبت اول متوجه طبقات مستضعف کشور است که امکان فرستادن فرزندان خود را برای ادامه تحصیل به خارج ندارند و در حقیقت نباید هم بفرستند. اعزام دانشجو به کشورهای امپریالیستی، علاوه بر زیان مستقیم مادی (خروج میلیونها دلار ارز کشور در سال) زیان معنوی نفوذ فرهنگ منحل بورژوازی را نیز بدنبال دارد، که مغایر وظیفه تاریخی انقلاب شکوهمند ایران برهبری امام خمینی یعنی تامین استقلال مادی و معنوی و خودکفائی واقعی جمهوری اسلامی ایران است. در عین حال تعطیل دانشگاهها سبب گسترش نارضایتی در نسل جوان کشور، دربخش فرهنگیان، استادان و دانش پژوهان میشود، که این نیز بهیچوجه درصلاح جمهوری اسلامی ایران نیست.

بررسی همهجانبه نشان میدهد که بدازا کشیدن تعطیل این مراکز عالی علم و هنر از هر حیث بزین

### حجت الاسلام...

بقیه از صفحه ۱

را تا آخرین قطره خون خود ادامه دهند.

مراسم دومین سالگشت جمعه خونی دیروز صبح و بعد از ظهر در تهران برگزار شد. در مراسم صبح که در بیشترها با حضور هزاران نفر از مردم تهران برگزار شد حجت الاسلام خامنه ای سخن گفت و در مراسم بعد از ظهر رئیس جمهوری سخنانی ایراد کرد.

مراسم صبح دیروز در ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه با پیام امام خمینی رهبر انقلاب آغاز شد. پس از آن پیام آقای نخست وزیر بمناسبت ۱۷ شهریور قرائت گردید و آنگاه چندتن از بازماندگان شهدا سخنانی گفتند. در پیام خواهی یکی از شهدا گفته شد: «ما امروز سلاح بردوش آماده ایم تا کربلائی بزرگتر بوجود آوریم و آمریکای چنایتکار را به زباله دان تاریخ بیفکنیم».

در میان سخنرانی ها مردم یکصد شمارهایی به پشتیبانی از امام خمینی و علیه امپریالیسم آمریکا می دادند. آنها فریاد می زدند: «تمام خاک ایران فیضیه، دانشگاه لرزه از این دوستگر بر بیگر آمریکاست».

### نامه مرفوم

ارگان مرکزی حزب توده ایران  
دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر پوزداری

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
(دفتر نامه مردم)  
هنوز در اختیار  
نامه مردم نیست

NAMEH  
MARDOM  
No. 328  
9 September 1980

Price: West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

### انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

جهت تحولات مترقی در اصول آموزش خیلی از علوم دقیقه، فنون مهندسی، تکنولوژی و غیره را می توان در مدت نسبتاً کوتاه (مثلاً در يك تعطیلات تابستانی) معین کرد. اجرای این امر در مورد علوم اجتماعی (یا علوم انسانی) بر حسب ماهیت طبقاتی این دانشها احتیاج به وقت و دقت بیشتری دارد. این تقسیم بندی در مراحل آموزش پائین تر از دانشگاهی نیز تقریباً صادق است. لیکن در این امر نیز میتوان و باید سرعت بیشتری را بخرج داد و بی ریزی تحول بنیادی را زودتر بانجام رساند.

با در نظر گرفتن این جهات بود که فقیه عالیقدر آیت الله العظمی منتظری، در خطبه اول نماز جمعه ۱۴ شهریور در قم، ضمن طرح چند مسئله مهم روز، با اشاره به لزوم انقلاب فرهنگی بویژه تاکید کردند که: «اگر دانشگاهها تعطیل طول بکشد و معلم و دانش در دانشگاهها نباشد، فاجعه است برای کشور ما». آیت الله منتظری خطاب به هیئت ۲ نفری که از طرف رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، مسئول تدوین طرح انقلاب فرهنگی شده اند، خواستند که سرعت بخرج دهند و «انقلابی این طرح را تهیه کنند» تا «دانشگاهها زودتر شروع بکار کنند و دانشجویان عزیز مشغول تحصیل علم و کمال بشوند». این خواست همه مردم رزمنده کشور است. در راه تحقق آن همه باید بکوشند.

گفت: «ما وارث خون شهیدان شده ایم. آیا به آرمان شهیدان عمل کرده ایم و میکشیم یا نه؟ آرمان شهیدان، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود، مسا و استقلال و آزادی را در قالب نظام جمهوری اسلامی و در حد ممکن بدست آوردیم. اما می دانید که گرگهای درنده و دشمنان غدار از هر طرف در کمینند، آنها چه میخواهند؟ می خواهند کارائی ما را برای يك حمله مجدد از ما بگیرند... می خواهند مارا سرگرم کنند به خواسته های کوچک... دشمن سعی می کند فقر اقتصادی ما، بیکاری ما، کمبود مواد غذايي ما، نداشتن امکانات رفاهی ما را مرتب به رخ ما بکشند، دشمن سعی می کند قدرت خود را در چشم ما بزرگ کند... امروز دست شما پر است، امروز شما میلیونها انسان مسلح و بیا آماده برای مسلح شدن دارید، امروز شما منطقه حساسی از جهان را در اختیار دارید. امروز آمریکا با شما چه می تواند بکند؟ دشمن امروز با شما چگونه میتواند دست و پنجه نرم کند، امروز دشمن از شما شکست خورد، دستانم را از تابوت بیرون بگذارید، تا مردم بدانند که همراه خود چیزی نمی برم. چشمانم را باز بگذارید تا ببینند که کورگورانه کشته نشدم. برخاکم بیخ بگذارید، تا بجای مادرم، که ندارم، بر مزارم بگریید».

### نوشته ای از يك شهید گمنام جمعه خونین، که اشک بچشم می آورد

«اگر کشته شدم، دستانم را از تابوت بیرون بگذارید، تا مردم بدانند که همراه خود چیزی نمی برم. چشمانم را باز بگذارید تا ببینند که کورگورانه کشته نشدم. برخاکم بیخ بگذارید، تا بجای مادرم، که ندارم، بر مزارم بگریید».

شهیدان شهدا شما و شهیدان شما را گوید همان دشمنی است که امروز میخواهد ایران را بکوبد. امروز هم آمریکا، اسرائیل، مزدوران خارجی، پیشوایان کفر، فاجعه کربلائی ۱۷ شهریور را بوجود آوردند و امروز همه آنها در آنسوی مرزها زنده اند، امروز هم ما هدف و آماج گلوله هایی هستیم که آمریکای غارتگر چنایتکار و اسرائیل و مزدورانش به سوی ما نشانه رفته اند. یادتان نرود که دشمن ماهمان دشمن است، امام جمعه تهران افزود: «سربازان و افسران اسرائیلی که برای این جنایت بزرگ به ایران آمده بودند، هر کدامی، نام و نشان دارها به نحوی به سزای اعمال خود رسیده اند و یا خواهند رسید. اما سلسله جناب فاجعه های بی دریغی و خونینی یعنی پنجه مظلوم کش و انسان برانداز آمریکا همچنان آماده است تا حلقوم این ملت را با زهم بفشارد. دشمن همان دشمن است و شما هم باید امروز همان مردم باشید و هستید... حجت الاسلام خامنه ای با اشاره به جنبه دیگر تبلیغات و خرابکاری های مزدوران امپریالیسم آمریکا

### رئیس جمهوری...

بقیه از صفحه ۱

ایر قدرت آمریکا را از خیال توطئه منصرف کند و ایادی او را در منطقه از توطئه سازی برضد ما منصرف کند. به صدام حسین و نوکرهای داخلی ایر قدرت آمریکا بگوید، این اموال بیکران انسان، هوشیار و آگاه، مصمم به ادامه راه انقلاب و استوار در حفظ جمهوری اسلامی ایران است».

وی در بخش دیگری از سخنان خود بر لزوم رفع بحرانهایی که جامعه ما با آن دست بگریبان است تاکید کرد و لزوم برخورد جدی به سائلی چون: وضع مستضعفان، برنامه دولت، امنیت کشور، اقتصاد کشور و ممانعت از فعالیت ضدانقلاب را مذكر کرد. رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود لزوم وحدت همه مردم ایران را گوشزد کرد و از جمله گفت: «حضور متحد همه مردم این سرزمین در صحنه ضامن بقای جمهوری و ضامن پیروزی ما و شکست توطئه های دشمن است. نه صدام حسین با حضور شما در صحنه، نه ارباب آمریکائی او، نه آن ایادی توان باخته رژیم پیشین، هیچک از آنها و توطئه های آنها بجائی نخواهد رسید».

رئیس جمهوری در پایان گفت: «باید برای شما روشن کرده باشم که من خطر اساسی را آمریکا میدانم، خطر اول را توطئه های آمریکا میدانم، نقشه های آمریکا برای ایران میدانم و افشاکاری را در رابطه با آمریکا کرده ام».

در این مراسم اعضا و هواداران حزب توده ایران نیز شرکت داشتند.

### رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب! استاد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است.

اسناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است.

### کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است

شش هزار نفر کرد ۱۰۰۰ ریال  
حسین از شهر کرد ۵۰۰ ریال  
۴ - ص ۳۰۰۰ ریال  
از همیشگیان ۲۵۰ ریال  
سازمان حزب توده ایران در شهر کرد (تیرماه) ۳۶۷۰۰ ریال  
سازمان حزب توده ایران در شهر کرد (مردادماه) ۳۶۱۵۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام آقای کی منش به شماره ۳۲۳۲۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بیردازند.

### در مطبوعات کشور

### دیپلماسی سالوسانه

امپریالیسم آمریکا و متحدین و دست نشانده گان وی در منطقه، توطئه وسیعی را علیه جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده اند. حملات اخیر عراق به نقاط مرزی ایران، و نقل و انتقالات نیروهای آمریکائی در آبهای خلیج فارس، و هماهنگی این عملیات، از علق و وسعت توطئه های خیر میدهد که بی تردید، دیگر دست نشانده گان آمریکا، یعنی پاکستان، عربستان سعودی، ترکیه و مصر و غیره نیز در آن شرکت دارند - دولت مصر، تعدادی هواپیما فاقوم، که گفته می شود با اموال غارتی شاه ملعون خریداری شده، در اختیار عراق قرار داده است. در چنین شرایطی، که مطابق برداشت صحیح مقامات ارتش ایران، این اقدامات و از جمله حمله مباحین عراقی و نقل انتقالات نظامی آمریکا، از يك کانون هدایت می شوند، سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده، سالوسانه باز موضوع گروگانهای جاسوس راه که به ادعای وی، ایران با خودداری از آزاد ساختن ایشان، گویا «به معیارهای رفتاری ذریای تمدن تجاوز کرده است» بیان می کند. وی بار دیگر اظهار میدارد که آمریکا از هر وسیله ای برای کمک به آزادی گروگانها استفاده خواهد کرد و از جمله این وسائل قانع ساختن اعضای مجلس اسلامی ایران با این واقعیت است که ادامه اسارت گروگانها «بمنافع ایران و آمریکا زیان وارد خواهد ساخت». این سخنگو افزود است که «اشغال سفارت آمریکا از سوی دادگاه بین المللی و سازمان ملل متحد و عملاً تمام ملت ها محکوم شده است».

این سخنان «دیپلماتیک» از جانب سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در کنار شاخ و شته کشیدن های پنتاگون و عرض اندام ناوگان عظیم جنگی ایالات متحده، و پیاده کردن یکسزار و هشتصد تفنگدار و آماده نگه داشتن هزاران سرباز دیگر، برای تجمیاز آشکار و علنی به جمهوری اسلامی ایران، یعنی نظامی که حقانیت خود را «تاکون با تقدیم هفتاد هزار شهید ثابت کرده، و آماده است که این حقانیت را همچنان با تقدیم شهدای بیشتری مسلم تر سازد، تشافک غنایت سالوسی است. در حالیکه ما اکنون رویداد طیس را که طی آن ایالات متحده بمنظور اقداماتی بس وسیعتر از ره ساختن گروگانهای جاسوس، دست به عملیات گسانگتری زد، پشت سر داریم در حالیکه توطئه کودتای ۱۸ تیرماه را از سر گذرانده ایم، که طی آن، محکومین «دنیای تمدن» اقداماتی را سازمان داده بودند، که می توانست بقتل میلیونها انسان بیجانجامد، و آقایان مبلغین تمدن آمریکائی، نشان دادند که از چنین جنایتی هم روگردان نیستند، در چنین حالتی، سخنگوی وزارت خارجه آقای کارتر اعلام میکند که آمریکا از هر وسیله ای برای فراهم ساختن مسوجیات آزادی گروگانها استفاده خواهد کرد، و از جمله این وسائل قانع ساختن اعضای مجلس شورای اسلامی با این واقعیت است که ادامه اسارت گروگانها به منافع ایران و آمریکا زیان وارد میسازد، اما از چه زمانی، این آقایان یانکی به ستافع ایران علاقه پیدا کرده اند؟ و این چگونه علمی است که در عین حال، هم به منافع ایران، و هم به ستافع آمریکا زیان وارد میسازد این، در واقع نوعی تناقض است وزارت خارجه اش اهمیت دارد - در تضاد قرار داشته اند. در رابطه با ایران، آنچه برای دولت آمریکا مفید بوده، یعنی بطور عمده مناسبات بسیار دوستانه و بسیار محکم، یا بهتر بگویم مناسبات آقای و نوکری با رژیم فاسد شاه ملعون، برای مردم ایران بسیار زیان بخش، و عامل اساسی فقر و بدبختی مستضعفین بوده است و برعکس، آنچه برای مردم ایران بسیار مفید بوده، یعنی پیروزی ایشان در انقلاب پرشکوهرتن در ۲۲ بهمن ۵۷، درست همان چیزی است که برای دولت ایالات متحده بسیار زیان بخش بوده، و عامل اساسی منسبات گنونی هم، که دولت ایالات متحده بصدان عادت ندارد، همین انقلاب است. اما آقای سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، که از «تجاوز ایران به معیارهای رفتاری دنیای تمدن» سخن می گوید، ظاهراً فراموش میکند که جاسوسی دیپلمات های وزارت خارجه آمریکا در ایران هم با معیارهای رفتاری اعلام شده دنیای تمدن، مغایر بوده، و تازه این آخرین رسوائی ایالات متحده در برابر ایران نیز نبوده است. شرکت آمریکائی ها، در عملیات جاسوسی گروه های تجشیری مدرسه اندیشه، کمک ۵۰۰ میلیون دلاری سیا به دایره اسفقی اصفهان که از مراکز جاسوسی انگلستان و اسرائیل بوده، بمنظور پخش درمیان پرسنل ارتش ایران و تکرار ماجرای ۲۸ مرداد، و سرانجام ادامه عملیات جاسوسی بهمان وسعت، در جاسوس خانه دیگری تحت پوشش يك شرکت آمریکائی، که روزنامه ها خورش را در بیستم مرداد دادند، همه و همه اقدامات دیگری هستند که آشکارا دشمنی دولت ایالات متحده را با مردم ایران ثابت میکند و در چنین شرایطی، بییچوجه نمی توان منافع ایران را با منافع ایالات متحده در يك ردیف قرار داد. در واقع، اظهارات دیپلماتیک سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده نیز جزئی از توطئه ایست که امپریالیسم آمریکا برای بشکست کشاندن انقلاب اسلامی ایران تدارک دیده است. این مسلم است که مردم ما، قریب این دیپلماسی سالوسانه را نخواهند خورد و هر چه متحدتر، برای خنثی ساختن هر گونه توطئه امپریالیسم، ایستادگی خواهند کرد.

(صبح آزادگان، ۹ شهریور ۵۹)

### تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکائی) ضرورت انقلاب ایران است